

بررسی و نقد شاخص‌های جهانی آزادی اقتصادی  
(بنیاد هریتیج و مؤسسه فریزر)

کد موضوعی: ۳۲۰  
شماره مسلسل: ۱۲۰۷۲

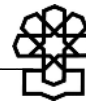
آذرماه ۱۳۹۰

دفتر: مطالعات محیط کسب و کار

## به نام خدا

### فهرست مطالب

۱	چکیده	۱
۱	مقدمه مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی	۱
۲	مقدمه	۲
۳	۱. مفهوم آزادی اقتصادی	۳
۴	۱-۱. مکتب نئولیبرالیسم	۴
۶	۱-۲. مکتب شیکاگو	۶
۸	۲. شاخص‌های آزادی اقتصادی	۸
۸	۲-۱. شاخص آزادی اقتصادی جهان	۸
۱۱	۲-۲. شاخص آزادی اقتصادی (EFI)	۱۱
۱۶	۳. جایگاه ایران از منظر شاخص‌های آزادی اقتصادی	۱۶
۲۲	۴. نقد و ارزیابی شاخص‌های آزادی اقتصادی	۲۲
۲۳	۴-۱. تنوع نهادی و ویژگی‌های بومی	۲۳
۲۶	۴-۲. دیدگاه ایدئولوژیکی و اهداف سیاسی	۲۶
۲۷	۴-۳. ناسازگاری با مفهوم آزادی اقتصادی	۲۷
۲۸	۴-۴. امتیازدهی مؤلفه‌های ذهنی و عینی	۲۸
۲۹	۴-۵. انتخاب روش تجمیع	۲۹
۳۱	نتیجه‌گیری و پیشنهاد	۳۱
۳۳	منابع و مأخذ	۳۳



## بررسی و نقد شاخص‌های جهانی آزادی اقتصادی (بنیاد هریتیج و مؤسسه فریزر)

### چکیده

در این گزارش، پیشینه و روش‌شناسی شاخص‌های جهانی آزادی اقتصادی مؤسسه فریزر و بنیاد هریتیج مورد بررسی قرار گرفته و جایگاه ایران در مقایسه با سایر کشورها و روند تحولات داخلی طبق آخرین گزارش این مؤسسات ملاحظه شده است. ایران از منظر شاخص‌های جهانی آزادی اقتصادی، جایگاه مناسبی در سطح بین‌المللی ندارد. ارزیابی شاخص‌ها از دید محققین نشان می‌دهد علاوه بر مشکلات روش‌شناسی (تأثیر زیاد عوامل ذهنی و انتخاب روش تجمیع بدون استدلال علمی) شاخص‌ها بر پایه دیدگاه ایدئولوژیکی خاصی که مجموعه‌ای خاص از چیدمان نهادی و سیاست‌ها را به‌عنوان محرک رشد و توسعه اقتصادی کشورها معرفی می‌کند، بنا شده‌اند. شاخص‌های آزادی اقتصادی بیشتر به کوچک بودن اندازه و عدم مداخله دولت در اقتصاد تأکید دارند، اما در سال‌های اخیر شاهد تغییر پارادایم حاکم از کوچک‌سازی دولت به کارآیی و اثربخشی دولت یا حکمرانی خوب بوده‌ایم. به همین دلایل، شاخص‌ها و توصیه‌های این دو مؤسسه از نظر علمی مجموعاً قابل اتکا و معتبر نیستند. بنابراین اصلاحات محیط کسب‌وکار، لزوماً همان مجموعه اصلاحات شاخص‌های آزادی اقتصادی نیست؛ بلکه ترکیب‌گزینش شده‌ای از تجارب موفق سایر کشورها و مطالعه ظرفیت‌ها و وضعیت بومی کشور خواهد بود.

### مقدمه مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی

آزادی، زیربنای مکتب اقتصاد سرمایه‌داری است. آنچه از سوی نظریه‌پردازان اقتصاد آزاد مطرح شده این است که آزادی وسیله تحقق مصالح عمومی بر پایه منافع شخصی است که برای تولیدکننده، حداکثر سود و برای مصرف‌کننده حداکثر مطلوبیت را به ارمغان می‌آورد. براساس این نگاه آزاد گذاشتن افراد در مبادلات اقتصادی و عدم مداخله دولت در این چارچوب بجز مواردی که بازار به تأمین آنها بپردازد، موجب رشد تولید و تعادل در اقتصاد می‌شود. اصلی‌ترین مسئله‌ای که با آزادی اقتصادی در هم‌تنیده است، حدود اختیارات دولت و کیفیت مداخله آن در اقتصاد است. توجیه دخالت دولت در پارادایم اقتصاد متعارف، ورود دولت بر پایه به تعادل رساندن بازار است و

دخالت دولت فی‌نفسه موضوعیت ندارد و دولت می‌آید تا نارسایی‌های موجود در بازار را رفع کند. این نگاه به دولت با آنچه در نظام اقتصادی اسلام درخصوص نقش دولت در اقتصاد مطرح شده تفاوت بسیاری دارد. زیرا اساساً تعریفی که اسلام از آزادی می‌دهد و نگاهی که به اقتصاد دارد متفاوت است از آنچه در اقتصاد متعارف بیان شده است. هرچند نگاه به دخالت دولت در اقتصاد متعارف در دهه‌های اخیر تحولات زیادی داشته است و مباحثی همچون حکمرانی خوب، کارآیی دولت و بهینه کردن اندازه دولت به‌عنوان نگاه‌های تعدیل شده نسبت به اصل عدم مداخله دولت در ادبیات اقتصادی جدید مطرح شده است، لکن هنوز تغییر پارادایمی صورت نگرفته است و همه این نظریه‌ها به نوعی در چارچوب نظام سرمایه‌داری هستند. لذا شاخص‌های مختلف اقتصادی که از سوی نهادهای اقتصادی بین‌المللی تدوین و ارزیابی می‌شود بر پایه همین نگاه به دخالت دولت است. یکی از این شاخص‌ها، شاخص آزادی اقتصادی مؤسسه فریزر و بنیاد هریتیج است که فارغ از نقدهای روش‌شناسی ارزیابی شاخص‌ها و نقدهایی که از سوی اقتصاد نهادی به این شاخص‌ها شده است، مهمترین نقد وارد به این شاخص مبانی فلسفی آزادی اقتصادی و نقش دولت در اقتصاد است. لازم به‌ذکر است که بررسی و تحلیل این نوع شاخص‌ها که در دهه‌های اخیر رشد چشمگیری در ابعاد مختلف اقتصادی و اجتماعی داشته است، نباید به‌عنوان مبنای سیاست‌گذاری در کشور ما مطرح باشد، هرچند بررسی و تحلیل این شاخص‌ها و استفاده از تجارب جهانی در تدوین شاخص و بهره‌گیری از مواردی که در تعارض با الگوی اسلامی - ایرانی اقتصاد نیستند مورد توجه است.

## مقدمه

اصلاح محیط کسب‌وکار پیش‌نیاز افزایش سرمایه‌گذاری و مشارکت بخش خصوصی و رسیدن به رشد و توسعه اقتصادی در ایران است. انتخاب مناسب‌ترین برنامه‌ها و سیاست‌های اصلاحی، نیازمند مطالعه تجارب جهانی و شناخت شرایط داخلی است. این گزارش به بررسی شاخص‌های آزادی اقتصادی از مجموعه گسترده شاخص‌های فضای کسب‌وکار می‌پردازد. آزادی اقتصادی رویکردی خاص در شکل‌دهی محیط کسب‌وکار است که برخی کشورهای غربی از جمله آمریکا بر این مبنا ترتیبات نهادی خود را ایجاد و سیاست‌های منطبق با آن را اجرا کرده‌اند. این کشورها با تکیه بر عملکرد اقتصادی موفق خود در مقاطعی از زمان، رویکرد آزادی اقتصادی و ترتیبات نهادی برآمده از آن را به عنوان الگویی به سایر کشورها توصیه می‌کنند.

آزادی در مقابل مفهوم اجبار و تحدید مطرح است. ازاین‌رو بحث نقش و حدود وظایف و اختیارات دولت به عنوان مهمترین نیروی اجباری در جامعه با مباحث آزادی اقتصادی عجین است.



در حیطه اقتصادی تعریف واحدی از آزادی اقتصادی وجود ندارد، زیرا مکاتب و اندیشمندان اقتصادی هر یک نقش و وظایف متفاوتی برای دولت قائل هستند. اما آنچه که همگان به عنوان محور و هسته مرکزی آزادی اقتصادی بر سر آن توافق دارند، تضمین حقوق مالکیت افراد جامعه است و غالباً تأکید ویژه‌ای بر حداقل بودن میزان دخالت دولت در اقتصاد و کوچک بودن اندازه آن می‌شود. هدف از بررسی حاضر علاوه بر ملاحظه جایگاه کشورمان از دید مؤسسات تدوین‌کننده شاخص‌های آزادی اقتصادی، رسیدن به درک و شناخت عمیق‌تری نسبت به این شاخص‌هاست. در واقع به دنبال پاسخ این سوال هستیم که آیا مجموعه سیاست‌ها و نهادهایی که شاخص‌های آزادی اقتصادی پیشنهاد می‌کنند، بهترین راهکار دستیابی به رشد و توسعه اقتصادی است و لذا کشورها باید از این الگو اقتباس کنند و یا باید با مطالعه و شناخت معایب و کاستی‌های شاخص‌های موجود، به تدوین شاخص‌های بومی و انتخاب هوشمندانه‌ای از بخشی از سیاست‌ها و نهادهای مورد توصیه صورت گیرد.

## ۱. مفهوم آزادی اقتصادی

آزادی اقتصادی مهمترین اصل نظام اقتصاد سرمایه‌داری است. آدام اسمیت، بنیانگذار مکتب کلاسیک و پدر علم اقتصاد، بر این باور است که اگر افراد در کسب نفع شخصی آزاد گذاشته شوند، دست نامرئی بازار را تنظیم می‌کند و منافع جامعه به بهترین شکل حاصل خواهد شد. نظر اقتصاددانان کلاسیک مبتنی بر اینکه اقتصاد به خودی خود و به وسیله سازوکار بازار موجب به‌کارگیری کلیه توان‌های اقتصادی بازار شده و در جهت تعادل عمل می‌کند، با بروز بحران بزرگ دهه ۱۹۳۰ میلادی در جهان غرب مورد تردید قرار گرفت.

کینز کمبود تقاضای مؤثر را به‌عنوان علت اصلی بحران اقتصادی و بیکاری معرفی کرد و خواستار گسترش نقش دولت، اجرای سیاست‌های مالی و رونق کسب‌وکار شد. کینز معتقد است که نظام سرمایه‌داری آزاد، هرگاه به حال خود باقی بماند و توسط مقامات پولی و دولت کنترل نشود، معمولاً در وضعیت تعادل اشتغال ناقص یعنی رکود و بیکاری قرار خواهد گرفت. نظریات کینزی همزمان با گسترش تفکرات سوسیالیستی موجب افزایش گستره دخالت و اندازه دولت در دهه‌های ۱۹۵۰ و ۱۹۶۰ شد.

در مقابل نظریه‌پردازان مکاتب نئولیبرالیسم و شیکاگو تفسیر جدیدی از آزادی اقتصادی ارائه کرده‌اند. بر پایه نظریات این مکاتب، بروز بحران و بیکاری نه‌تنها زائیده نارسایی‌های نظام سرمایه‌داری آزاد نبوده، بلکه برعکس، از موانع و قیدوبندهایی ناشی می‌شود که عملکرد آزادانه

قوانین بازار و ابزار درونی این نظام را مختل می‌کنند. در ادامه به بیان کلی نظریات مکاتب نئولیبرالیسم و شیکاگو و تشریح دیدگاه‌های نمایندگان معروف هر مکتب در باب آزادی اقتصادی و نقش دولت پرداخته خواهد شد.

### ۱-۱. مکتب نئولیبرالیسم

«بنیانگذار این مکتب اویکن<sup>۱</sup> است و روستو<sup>۲</sup>، اشمولدرز<sup>۳</sup>، هایک<sup>۴</sup> و ارهاد<sup>۵</sup> از نمایندگان معروف آن شمرده می‌شوند آنها خواستار شرایط آزاد هستند و مکانیسم بازار آزاد را تأیید می‌کنند. به اعتقاد نئولیبرالیست‌ها، لیبرالیسم به جای اینکه به فکر آزادی رقابت باشد، آزادی انتزاعی را مورد توجه قرار داده است و در واقع همین آزادی موجب از بین رفتن رقابت و ایجاد انحصارات می‌شود. قواعد اساسی نئولیبرالیسم عبارتند از:

۱. بازارهای آزاد: تمرکزها و ایجاد قدرت، رقابت را مختل می‌سازد، دولت وظیفه دارد به وسیله وضع قوانین مشخص کارتل، رقابت را حفظ کند.
۲. ثبات ارزش پول،
۳. تضمین مالکیت فردی،
۴. مسئولیت کامل هر عامل اقتصادی برای کار خود،
۵. آزادی قرارداد (به استثنای قراردادهایی که موجب ایجاد انحصار می‌شود)،
۶. دولت و اقتصاد: دولت وظیفه دارد با وضع قوانین رقابت را ضمانت کند. او تنها باید قواعد بازی را تعیین کند و با ایجاد فضای قانونی، جریان آزاد رقابت را در چارچوب آن امکانپذیر سازد. لیبرالیسم به معنای عدم مداخله دولت در اقتصاد نیست، زیرا این عدم مداخله به معنی حمایت از قوی‌ترها و باز گذاشتن دست آنهاست. دولت حق دارد برای استقرار مجدد شرایط رقابت مداخله کند و برای ایجاد آزادی عملی، آزادی انتزاعی را نقض کند»<sup>۶</sup>.

### آزادی اقتصادی و نقش دولت از نظر هایک

برطبق نظر هایک، نقش مناسب دولت ایجاد هیچ نظم اجتماعی خاصی نیست. دولت یک جامعه آزاد فرمان صادر نمی‌کند، بلکه رعایت قوانین کلی را تضمین کند.<sup>۷</sup>

1. Eueken  
2. Rustow  
3. Schmolders  
4. Hayek  
5. Erhard

۶. حسین نمازی، ۱۳۸۴، صص ۶۶ و ۶۷.

۷. ایمون باتلر، ۱۳۸۷، ص ۱۵۹.



به نظر هایک حدود بخش دولتی اقتصاد، معیاری برای مشروعیت آن نیست. روش صحیح برای تصمیم‌گیری در مورد حدود بخش عمومی این است که ابتدا درباره اندازه سهم مردم و در تحمل بار مالیاتی تصمیم بگیریم و بعد از آن است که می‌توانیم تصمیم بگیریم این مالیات چگونه باید خرج شود.<sup>۱</sup>

هایک علاوه بر ایجاد چارچوب قانونی، وظایف دیگری نیز برای دولت برمی‌شمرد که مجوز دخالت دولت در اقتصاد و محدود شدن آزادی هستند:

**تأمین امنیت:** «دولت آشکارا یک نقش ضروری دفاعی دارد که لازمه‌اش برخورداری از نوعی خاص از قدرت قهریه، هم برای جمع‌آوری وجوه لازم برای پرداخت هزینه‌های دفاعی و هم برای سربازگیری جهت آماده ساختن ارتش برای مواقع اضطراری است».<sup>۲</sup>

**خدمات غیربازاری:** «دفاع، انتظامات و پیشگیری از امراض واگیردار عمدتاً در این چارچوب جای می‌گیرند و به نظر هایک، بسیاری از انواع اطلاعات دیگر هم در این قالب می‌گنجد، مانند ثبت زمین، آمار، تأیید کیفیت برخی کالاها، بعضی جاده‌ها و امکانات شهری که در ارائه نوع خدمات مطالبه هزینه فقط از کسانی که واقعاً از این خدمات بهره‌مند می‌شوند، مشکل است. بنابراین، فراهم آوردن این خدمات به عامل زور و اجبار نیاز دارد».<sup>۳</sup>

**جلوگیری از انحصار:** هایک بر این باور است که دولت، علاوه بر فراهم کردن خدمات معینی که به مالیات‌ستانی نیاز دارد، وظیفه جلوگیری از تمرکز قدرت قهری انحصارات را نیز به عهده دارد، تا بتواند روابط تجاری حتی‌المقدور روان و منصفانه‌ای بین افراد برقرار کند. یک قدرت انحصاری که دولت‌ها معمولاً برای خودشان محفوظ داشته‌اند، خلق و انتشار پول است. تورم شدید دهه ۱۹۷۰ هایک را وادار کرد تا به این موضع توجه کند. او به‌طور نسبتاً قابل توجهی نتیجه گرفت که لغو این امتیاز دولت که تنها انتشاردهنده پول باشد، کمک خواهد کرد تا از تورم جلوگیری و وجود وسیله منطقی برای معاملات تضمین شود.<sup>۴</sup>

**کنترل قیمت:** «قیمت‌ها به شرایط زمانی بستگی دارند و با تغییر در شرایط عرضه و تقاضا دائماً تغییر می‌کنند. بنابراین تثبیت قیمت عادلانه‌ای که بتواند در بلندمدت در خدمت تولید کارآمد قرار گیرد ناممکن است و هر تلاشی از این قبیل در جهت ثابت نگه‌داشتن قیمت‌ها و دستمزدها، طولی نخواهد کشید که صرفاً مازاد یا کمبود کالا را به دنبال خواهد داشت. در صورت دور زدن

۱. همان، ص ۱۶۳.

۲. همان، ص ۱۶۱.

۳. همان، ص ۱۶۲.

۴. همان، صص ۱۶۷ و ۱۷۱.

قدرت تخصیصی سازوکار قیمت، به دخالت گسترده دولت نیاز خواهد بود و دستورات مقطعی حاکم بر فعالیت‌های اقتصادی خواهد شد و نه قوانین کلی<sup>۱</sup>.

امکان‌ات رفاهی: «از دیگر وظایف دولت ایجاد سیستم رفاهی جامعه شامل بیمه خدمات درمانی، بیمه بیکاری و آموزش همگانی است»<sup>۲</sup>.

## ۲-۱. مکتب شیکاگو

مکتب شیکاگو، گرچه در وهله اول با نام «مکتب پولی»<sup>۳</sup> و پرچمدار احیای نقش پول و سیاست‌های پولی و سپس به‌عنوان معرف «نظریه مقداری جدید» شهرت یافته، اما در عین حال پرچمدار ایدئولوژی سیاسی و اقتصادی خاصی هم است. این مکتب معیارهایی مانند آزادی فعالیت اقتصادی، سیاست آزادی کسب‌وکار، حاکمیت بازار آزاد، دفاع بی‌قید و شرط از انگیزش‌های سود و سرمایه‌گذاری و عدم مداخله دولت در امور اقتصادی را لازم دانسته و از آنها به‌عنوان اصول اولیه نظام بازار طرفداری می‌کند. اگر مکتب کلاسیک معیارهای ذکر شده در اقتصاد آزاد را مفروض می‌دانست، مکتب شیکاگو آنها را عملاً در خطر دیده و بر اعاده‌شان تأکید و اهتمام می‌ورزد. از این لحاظ، موضع‌گیری پیروان مکتب شیکاگو در مورد چگونگی عملکرد نظام سرمایه‌داری آزاد اساساً یک موضع‌گیری محافظه‌کارانه است و این وضعیت طبعاً پیروان این مکتب را نه‌تنها با اقتصاددانان مارکسیست، بلکه با طیف وسیع کینزی‌ها که علیرغم عدم هماهنگی آرای فکری در ضرورت دخالت دولت، در تنظیم فعالیت‌های اقتصادی اتفاق نظر دارند، در مقابل یکدیگر قرار داده است.<sup>۴</sup>

## آزادی اقتصادی و نقش دولت از نظر فریدمن

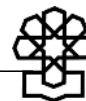
**حدود دخالت دولت:** فریدمن برای آزادی‌های فردی اهمیت زیادی قائل و برای حفظ آن معتقد به محدود کردن دخالت دولت است. در این راستا، در کتابی که با عنوان «دلارها و کسری‌ها» در سال ۱۹۶۸ میلادی منتشر کرده است می‌نویسد: «... آزادی هدف اساسی روابط بین افراد است و... برای نگهداری آن لازم است که ما نقش دولت را محدود کنیم و اساساً به ضوابطی مانند مالکیت خصوصی، بازارهای آزاد و ترتیبات اختیاری متکی باشیم». وی وظایف دولت را براساس نقطه‌نظر

۱. همان، صص ۱۷۳ و ۱۷۴.

۲. همان، ص ۱۷۴.

۳. مکتب پولی در دانشگاه شیکاگو در ایالات متحده، خاستگاه و مرکز پروتق «پول‌گرایان» یا «پولیون» تأسیس شده و از این رو مکتب شیکاگو با مکتب پولی مترادفند. پروفیسور میلتون فریدمن، رهبر بلامنازع این مکتب و برنده جایزه نوبل در اقتصاد، سال‌ها در این دانشگاه تدریس و تحقیق کرده است.

۴. فریدون تفضلی، ۱۳۸۷، ص ۴۶۷.



کلاسیک‌ها می‌پذیرد و وظایف دیگری را نیز به آنها می‌افزاید، لکن به فلسفه کینز و کینزی‌ها در مورد نقش و دخالت دولت در نظام سرمایه‌داری معتقد نیست و از آنجا که دولت آزادی فرد و جامعه را دچار مخاطره می‌کند، همواره از گسترش وظایف و فعالیت دولت بیم دارد.<sup>۱</sup>

**اعمال قوانین و ایفای نقش میانجیگری:** فریدمن بر این باور است: «برای تغییر و اجرای قوانین در جامعه، نمی‌توان صرفاً به عرف و عادت متکی باشیم و در نتیجه به یک میانجی یا داور احتیاج داریم. بنابراین، نقش اساسی دولت در یک جامعه آزاد تجهیز وسایل لازم برای تغییر شکل قوانین و ایفای نقش میانجی است. زمانی که در مفهوم قوانین بین افراد جامعه اختلاف نظر پیدا شود، دولت باید به آن عده معدودی را که می‌خواهند از قوانین بازی سرباز زنند به قبول قوانین و یا خروج از بازی ترغیب نماید. نیاز به دخالت دولت در این زمینه از این اصل نشئت می‌گیرد که آزادی مطلق غیرممکن است. دولت باید وظایفی را به‌عهده گیرد که از عهده بازار ساخته نیست. این وظایف عمدتاً اعمال قوانین مختلف و ایفای نقش میانجیگری است. قوانین، ضوابطی است که نظام سرمایه‌داری صریحاً به آنها نیاز دارد، مانند قوانین مالکیت، انعقاد قرارداد، چاپ اسکناس و... وظایف میانجیگری توسط دستگاه امنیتی، دیوان عالی و بانک مرکزی کشور اعمال می‌گردد. اجرای این وظایف توجیهی برای دخالت دولت محسوب می‌شود، زیرا از خانواده‌ها در مقابل افراد غیرمسئول حمایت می‌کند و همچنین، با اجرای قوانین معینی، مسائل و مجادلات بین افراد را رفع نموده و پایداری نظام اقتصادی را حفظ می‌کند».<sup>۲</sup>

**جلوگیری از ایجاد انحصار:** «نظام بازار نظام مؤثری است که می‌تواند بسیاری از مسائل و مشکلات را حل و فصل کند به شرط آنکه نقش دولت به‌عنوان عامل ضدانحصار همواره حفظ شود. بی‌گمان نظام بازار نقش مهمی برای هماهنگ کردن فعالیت‌های اقتصادی ایفا می‌کند. لکن باید توجه داشت که این نظام با وجود عوامل غیررقابتی تضعیف می‌گردد و با توجه به شرایط پیچیده و پیشرفته جامعه کنونی سرمایه‌داری نمی‌توان انتظار داشت که بدون دخالت دولت نظام بازار بتواند به‌طور مؤثری نقش خود را انجام دهد. از این لحاظ، دخالت دولت قابل توجیه است و این نقش به معنی تجاوز به حریم آزادی‌های فردی و اجتماعی نیست. در وضعیتی مانند سرمایه‌گذاری‌های اولیه برای تأسیسات برق و تلفن که هزینه آن فوق‌العاده سنگین است، دولت تنها بنگاه اقتصادی است که نسبت به بخش خصوصی حق تقدم برای فعالیت در این رشته‌ها را دارد».<sup>۳</sup>

**برنامه‌های رفاهی:** «وظیفه دیگر مربوط به برنامه‌های رفاهی و بهداشتی جامعه می‌شود.

۱. همان، صص ۴۶۹-۴۷۰.

۲. همان، ص ۴۶۹.

۳. همان، ص ۴۷۰.

مبارزه با آلودگی محیط زیست و فراهم کردن خدمات بهداشتی از قبیل واکسیناسیون در مواقع اضطراری از جمله برنامه‌های رفاهی هستند که دولت باید آنها را به مرحله اجرا درآورد. مراقبت از کودکان عقب‌مانده و سالمندان نیز از وظایف دولت است.<sup>۱</sup>

مرور مختصر نظریات پیرامون آزادی اقتصادی نشان می‌دهد، آزادی بی‌قید و شرطی که نظام سرمایه‌داری در ابتدا بر پایه آن شکل گرفته بود طی زمان و با بروز بحران‌ها و مشکلات اقتصادی به تدریج محدود شده است. بحران بزرگ دهه ۱۹۳۰ میلادی در غرب اقتصاددانان را به چاره‌اندیشی واداشت و کشورهای غربی براساس نظریه کینز حوزه دخالت و اندازه دولت را گسترش دادند. ناکارآمدی دولت‌های بزرگ و مهمتر از آن نفوذ هرچه بیشتر تفکرات سوسیالیستی که تهدیدی برای نظام سرمایه‌داری محسوب می‌شد، به ظهور مکاتب نئولیبرالیسم و شیکاگو منجر شد. اندیشمندان این مکاتب به بازتعریفی از آزادی اقتصادی و نقش دولت پرداختند. تأکید این مکاتب به کوچک‌سازی دولت و عدم مداخله آن در اقتصاد به‌استثنای مواردی چون تأمین امنیت، وضع قوانین و مقررات، تضمین حقوق مالکیت، ارائه خدماتی که بازار در آنها شکست می‌خورد مانند آموزش عمومی و جلوگیری از ایجاد انحصار است.

پس از بیان اجمالی درخصوص مفهوم آزادی اقتصادی در مکاتب و اندیشه‌های مختلف، در ادامه به بررسی شاخص‌های آزادی اقتصادی می‌پردازیم.

## ۲. شاخص‌های آزادی اقتصادی

معروف‌ترین شاخص‌های آزادی اقتصادی در سطح بین‌المللی شاخص آزادی اقتصادی جهان<sup>۲</sup> مؤسسه فریزر و شاخص آزادی اقتصادی<sup>۳</sup> بنیاد هریتیج هستند. این بخش مروری بر تاریخچه و روش‌شناسی ساخت شاخص‌ها براساس اطلاعات ارائه شده توسط مؤسسات تدوین‌کننده آنهاست.

### ۲-۱. شاخص آزادی اقتصادی جهان<sup>۴</sup>

مؤسسه فریزر که در ونکور کانادا قرار دارد، یک سازمان سیاست عمومی است که تمرکز آن بر نقش بازارهای رقابتی در تأمین مناسبات اقتصادی و اجتماعی مردم کانادا است. این مؤسسه شاخص آزادی اقتصادی جهان (EFW) را به‌منظور اندازه‌گیری سازگاری نهادها و سیاست‌های

۱. همان، ص ۴۷۱.

2. Economic Freedom of The World (EFW)

3. Economic Freedom Index (EFI)

۴. مطالب این بخش برگرفته از منابع زیر است:

Gwartney & Lawson; 2010, pp. 1-13; www.fraserinstitute.org



کشورها با آزادی اقتصادی بخش خصوصی طراحی کرده است. «فریزر آزادی اقتصادی را در گزارش سال ۲۰۰۱ خود این‌طور تعریف می‌کند: «افراد آزادی اقتصادی دارند زمانی‌که شرایط زیر وجود داشته باشد:

۱. مالکیت آنان بدون استفاده از زور، کلاهبرداری یا دزدی از تعرض فیزیکی دیگران حمایت شود.
۲. آنها در استفاده، مبادله یا دادن دارایی‌شان به دیگری آزاد باشند و در همان حال فعالیت‌های آنان تجاوز به حقوق فردی دیگران نباشد». در این تعریف تأکید بر امنیت حقوق مالکیت است، اما تعریف آزادی اقتصادی در گزارش سال ۲۰۱۰ مؤسسه مفهوم گسترده‌تری را ارائه می‌کند: اساس آزادی اقتصادی انتخاب شخصی، مبادله اختیاری، آزادی ورود و رقابت در بازارها و امنیت حقوق مالکیت شخصی است.

محاسبه شاخص از سال ۱۹۸۶ آغاز شد، زمانی که میشل واکر<sup>۱</sup> از مؤسسه فریزر و میلتون فریدمن مجموعه‌ای از کنفرانس‌ها را که بر چگونگی اندازه‌گیری آزادی اقتصادی متمرکز بود برگزار می‌کردند. شاخص شامل پنج حوزه یا زیرگروه است:

#### زیرگروه اول: اندازه دولت

فرض می‌شود بزرگ‌تر بودن دولت نشان‌دهنده ناکارآمدی و جایگزینی تصمیمات دولت بجای تصمیمات فردی، تکیه هرچه بیشتر کشورها به فرآیند سیاسی در توزیع منابع، کالاها و خدمات است.

#### زیرگروه دوم: ساختار قانونی و امنیت حقوق مالکیت

عنصر مرکزی آزادی اقتصادی و جامعه مدنی است. امنیت حقوق مالکیت مهمترین عملکرد دولت به شمار می‌رود.

#### زیرگروه سوم: دسترسی به پول سالم

به عقیده فریدمن تورم ریشه پولی دارد. لذا رشد حجم پولی منجر به بالا رفتن تورم و محدودکننده آزادی اقتصادی است. نرخ‌های بالا و پرنوسان تورم نیز قیمت‌های نسبی را مختل می‌کنند و برنامه‌ریزی برای آینده را غیرممکن می‌سازند. دسترسی به پول سالم برای حمایت از حقوق مالکیت ضروری است. آسانی استفاده از پول خارجی بجای داخلی نیز آزادی شهروندان را ارتقا می‌دهد.

#### زیرگروه چهارم: آزادی تجارت بین‌المللی

در شاخص EFW محدودیت‌های تجارت (سهمی، تعرفه، کنترل نرخ ارز و...) و محدودیت‌های بازار

سرمایه، آزادی اقتصادی را کاهش می‌دهند.

### زیرگروه پنجم: مقررات

(الف) مقررات بازار اعتبار مانند کنترل نرخ بهره و مقررات دولت برای سیستم بانکی خصوصی،  
(ب) مقررات بازار نیروی کار: نیروهای بازار باید دستمزد و شرایط اخراج و استخدام را تعیین کنند  
و نظام وظیفه حذف شود،

(ج) مقررات کسب‌وکار: فرآیندهای دیوان‌سالارانه مانع ورود آسان به بازار و کاهش رقابت است.  
در مجموع این شاخص از ۴۲ مؤلفه تشکیل شده است و طبق گزارش سال ۲۰۱۰، ۱۴۱ کشور  
دنیا را پوشش می‌دهد (زیرگروه‌ها و مؤلفه‌های مربوطه در جدول ۱ آمده است). شاخص EFW  
برای سال‌های ۱۹۷۰ تا ۲۰۰۰ هر پنج سال یکبار محاسبه شده و از سال ۲۰۰۰ به صورت سالیانه  
منتشر می‌شود.

مؤسسه فریزر در گزارش‌های خود بر این نکات تأکید می‌کند: اول اینکه مؤلفه‌های عینی را بر  
ذهنی ترجیح می‌دهد. چراکه مؤلفه‌های عینی متکی بر آمارهای رسمی کشورها و مؤلفه‌های ذهنی  
براساس پیمایش، نظرات کارشناسی و یا مطالعات موردی هستند. دوم اینکه، داده‌های مورد  
استفاده در ساخت شاخص از منابع خارجی، مانند صندوق بین‌المللی پول، مجمع جهانی اقتصاد،  
بانک جهانی و شاخص راهنمای بین‌المللی ریسک کشورها<sup>۱</sup> جمع‌آوری می‌شوند و در موارد بسیار  
نادر امتیازات طبق نظر کارشناسان مؤسسه تکمیل می‌شوند. در مورد مؤلفه‌های ذهنی عمدتاً از  
گزارش رقابت‌مندی جهانی و داده‌های ICRG اقتباس می‌شود.

امتیاز هر مؤلفه براساس عددی بین ۰ تا ۱۰ ارزشگذاری می‌شود که امتیاز ۱۰ به معنای بیشترین  
حد آزادی اقتصادی است. امتیاز مؤلفه‌های عینی موافق با آزادی اقتصادی براساس رابطه زیر:  
$$\text{امتیاز مؤلفه‌های عینی} = (V_i - V_{\min}) / (V_{\max} - V_{\min})$$
  
و امتیاز مؤلفه‌هایی که افزایش مقادیر کمی آنها به معنی محدود شدن آزادی اقتصادی است  
طبق رابطه:

$$\text{امتیاز مؤلفه‌های محدودکننده آزادی اقتصادی} = (V_{\max} - V_i) / (V_{\max} - V_{\min})$$

محاسبه می‌شود.

$V_i$  مقدار مؤلفه برای کشور مورد نظر و  $V_{\max}$  و  $V_{\min}$  به ترتیب کمترین و بیشترین مقدار  
مؤلفه در میان کشورهای مورد بررسی است. بدین ترتیب امتیازات در مقیاس واحد قرار گرفته و  
قابلیت مقایسه بین کشورها ایجاد می‌شود. سپس شاخص‌های فرعی براساس میانگین ساده



مؤلفه‌ها یا در گزارش‌های برخی از سال‌ها براساس روش «مؤلفه‌های اصلی»<sup>۱</sup> ساخته می‌شود. شاخص کل نیز به همین ترتیب از ترکیب شاخص‌های فرعی حاصل می‌شود. امتیازات کشورها در شاخص کل و شاخص‌های فرعی به دو روش داده زنجیره‌ای و داده تعدیل نشده گزارش می‌شود. در گزارش هر سال امتیاز و رتبه کشورها در مقایسه با سایر کشورها محاسبه و اعلام می‌شود. این امتیازات در گزارش‌های سال‌های بعد، تحت عنوان داده تعدیل نشده ذکر می‌شود، اما از آنجایی که در طی زمان نحوه محاسبه شاخص EFW اصلاح شده و داده‌های مربوط به برخی از کشورها تکمیل می‌شوند، لذا امتیاز شاخص مرتباً در سال‌های بعد تکمیل می‌شود. این مجموعه داده که تحت عنوان داده زنجیره‌ای در گزارش‌های فریزر می‌آید، برای مقایسه شرایط کشورها در طی زمان مناسب‌تر است.

## ۲-۲. شاخص آزادی اقتصادی (EAI)

بنیاد هریتیج یک مؤسسه تحقیقاتی آموزشی است که در سال ۱۹۷۳ در واشنگتن تأسیس شده و از سال ۱۹۹۵ با همکاری روزنامه وال‌استریت، سالیانه به محاسبه شاخص آزادی اقتصادی کشورها و رتبه‌بندی آنها می‌پردازد و با گذر زمان به تکمیل و تجدیدنظر در این شاخص اقدام می‌کند. تعریف هریتیج از آزادی اقتصادی عبارت است از امکان تولید، توزیع و مصرف کالاها و خدمات فارغ از فشار یا اجبار بیش از حد نیاز دولت.

این مؤسسه در ویرایش سال ۲۰۰۷ تغییراتی را در روش رتبه‌بندی خود ایجاد کرده است. در روش قبلی امتیاز هر شاخص فرعی در فاصله ۱ تا ۵ تعیین می‌شد و نیز کسب امتیاز بالاتر به معنی آزادی اقتصادی کمتر بود، ولی در روش جدید امتیاز هر شاخص فرعی در فاصله ۰ تا ۱۰۰ درصد تعیین می‌شود و کسب امتیاز بالاتر به معنی آزادی بیشتر است. امتیاز شاخص کل از میانگین ساده امتیازات ۱۰ شاخص فرعی تعیین می‌شود. داده‌ها از منابع خارجی گردآوری شده و توسط کارشناسان هریتیج تکمیل می‌شوند و به اینکه داده مورد نیاز برای امتیازدهی هر مؤلفه یا شاخص فرعی به‌طور دقیق از کدام منبع استخراج شده، اشاره‌ای نمی‌شود. امتیاز شاخص‌های فرعی براساس ترکیبی از مؤلفه‌های عینی و ذهنی تعیین می‌شود و روش مستدل و واحدی در نحوه ترکیب مؤلفه‌ها و تشکیل شاخص‌های فرعی به‌کار نمی‌رود. در گزارش‌های کشوری در رابطه با عوامل مؤثر بر امتیاز شاخص‌های فرعی به‌طور کلی بحث می‌شود و علاوه بر اعلام رتبه کشور در جهان، رتبه منطقه‌ای آن نیز اعلام می‌گردد. شاخص در مجموع از ترکیب ۴۱ مؤلفه تشکیل شده

۱. روشی آماری که برای خلاصه کردن حجم داده‌ها و در برخی موارد وزندهی و تجمیع متغیرها به‌کار می‌رود.

2. www.heritage.org, 2011.

است. شاخص‌های فرعی عبارتند از:

۱. آزادی کسب‌وکار: این شاخص فرعی توانایی آغاز، ادامه و بستن کسب‌وکار توسط بخش خصوصی را با توجه به میزان محدودیت ایجاد شده از جانب قوانین و مقررات دولتی نشان می‌دهد.
  ۲. آزادی نیروی کار: این شاخص جوانب مختلف چارچوب قانونی بازار کار کشور را مورد توجه قرار می‌دهد.
- منبع اصلی داده برای محاسبه این دو شاخص فرعی، شاخص سهولت کسب‌وکار بانک جهانی و روش محاسبه نیز به صورت زیر است:

$$\text{مقدار مؤلفه در کشور مورد نظر} = 50 \times \frac{\text{میانگین جهانی مؤلفه}}{\text{امتیاز مؤلفه}}$$

۳. آزادی تجاری: شاخصی ترکیبی از عدم وجود موانع تعرفه‌ای و غیرتعرفه‌ای واردات و صادرات کالاها و خدمات است.

$$\text{درجه محدودیت‌های غیرتعرفه‌ای} = 100 \times \frac{\text{نرخ تعرفه کشور} - \text{بالاترین نرخ تعرفه}}{\text{نرخ تعرفه کشور} - \text{پایین‌ترین نرخ تعرفه}}$$

موانع غیرتعرفه‌ای در محدوده ۰ تا ۲۰ امتیازدهی می‌شود. صفر نشان‌دهنده این است که هیچ محدودیتی در تجارت بین‌المللی وجود ندارد و عدد ۲۰ نشانگر بالاترین میزان محدودیت است.

۴. آزادی مالیاتی: معیاری از فشار مالی تحمیلی بر بخش خصوصی از جانب درآمدهای دولت است که پایین بودن هر چه بیشتر نرخ‌های مالیاتی و نسبت درآمدهای مالیاتی به تولید ناخالص داخلی به معنای وجود آزادی مالیاتی و در نتیجه آزادی اقتصادی بیشتر می‌باشد.

$$\text{امتیاز مؤلفه مالیاتی کشور} = 100 - \alpha$$

مقدار هر یک از سه مؤلفه تشکیل‌دهنده آزادی مالیاتی، عددی بین ۰ تا ۱۰۰ است.  $\alpha$  مساوی با ۰/۰۳ منظور می‌شود.

۵. آزادی از مداخله دولت: این شاخص سطح مخارج دولت را نسبت به GDP اندازه می‌گیرد و کوچکتر بودن آن به معنی آزادی بیشتر است.  $\alpha$  مساوی با ۰/۰۳ منظور می‌شود.

$$\text{آزادی از مداخله دولت کشور} = 100 - \alpha$$

۶. آزادی پولی: معیاری از ثبات قیمت و کنترل‌های قیمتی توسط دولت است. میانگین وزنی تورم سه سال اخیر هر کشور لحاظ شده و کنترل‌های قیمتی نیز بین ۰ تا ۲۰ درجه بندی می‌شود.

$$\text{کنترل‌های قیمتی} - \text{میانگین وزنی تورم} = 100 - \alpha$$

۷. آزادی سرمایه‌گذاری: این شاخص سیاست‌های دولت‌ها در رابطه با ورود جریان سرمایه



به کشور را مورد توجه قرار می‌دهد.

۸. آزادی مالی: معیاری از امنیت و آزادی از کنترل‌های دولتی در امور بانکی و بانکداری است.
۹. حقوق مالکیت: این شاخص توانایی بخش خصوصی نسبت به نگهداری و جابجایی دارایی‌ها، تضمین مالکیت شخصی توسط قوانین شفاف و اجرای کامل این قوانین توسط دولت را نشان می‌دهد.
۱۰. آزادی از فساد: فساد، آزادی اقتصادی را به دلیل ایجاد ناامنی و ناطمینانی در روابط اقتصادی محدود می‌کند.

امتیازات شاخص‌های ۷ تا ۱۰ به صورت ذهنی بین ۰ تا ۱۰۰ درجه‌بندی می‌شوند. به طور مثال، امتیاز آزادی مالی کشور ۱۰۰ خواهد بود اگر تأثیر دولت بر مؤسسات مالی و سیستم بانکداری کشور بسیار ناچیز باشد. بانک مرکزی مستقل، مقررات محدود برای مؤسسات مالی، تخصیص اعتبارات به صورت بازار آزاد، نبود مؤسسه‌هایی با مالکیت دولتی، آزاد بودن بانک‌ها در رقابت، توسعه اعتبار و پذیرش سپرده و عملکرد آزادانه مؤسسات مالی خارجی درست مثل مؤسسات داخلی از جمله شرایط تعلق امتیاز ۱۰۰ به هر کشور است.

در جدول ۱ شاخص‌های فرعی و مؤلفه‌های تشکیل‌دهنده آنها برای دو شاخص EFW و EFI به صورت مقایسه‌ای آمده است. دو شاخص از نظر مؤلفه‌ها شباهت بسیاری دارند و در دسته‌بندی و ترکیب مؤلفه‌ها اندکی تفاوت مشاهده می‌شود. علامت ستاره در جدول، مؤلفه‌های ذهنی را نشان می‌دهد. از نظر تعداد مؤلفه‌ها، ۶۴ درصد مؤلفه‌های شاخص EFW ذهنی هستند که اهمیت مؤلفه‌های ذهنی پس از وزندهی به ۵۰ درصد می‌رسد. EFI از نظر تعداد مؤلفه‌ها، ۸۰ درصد ذهنی و ۲۰ درصد عینی است. میزان تأثیر متغیرهای ذهنی پس از وزندهی به دلیل برخی ابهامات در روش‌شناسی، قابل محاسبه دقیق نیست.

## جدول ۱. زیرگروه‌ها و مؤلفه‌های شاخص‌های آزادی اقتصادی

شاخص آزادی اقتصادی هریتیج	شاخص آزادی اقتصادی فریزر
<p><b>آزادی از مداخله دولت</b></p> <p>۱. مخارج دولتی به‌عنوان درصدی از GDP الف) مصرف دولتی ب) پرداخت‌های انتقالی دولت</p>	<p><b>اندازه دولت</b></p> <p>۱. مخارج مصرفی دولت (درصدی از مخارج کل) ۲. پرداخت‌های انتقالی و یارانه‌ها (درصدی از GDP) ۳. مالکیت دولتی و سرمایه‌گذاری دولت نسبت به کل سرمایه‌گذاری ۴. بالاترین نرخ مالیات بر درآمد الف) درآمد ب) مزد و حقوق</p>
<p><b>آزادی مالیاتی</b></p> <p>۱. بالاترین نرخ مالیات بر درآمد افراد ۲. بالاترین نرخ مالیات بر درآمد شرکت‌ها ۳. نسبت درآمدهای مالیاتی دولت به GDP</p>	<p><b>آزادی تجارت بین‌المللی</b></p> <p>۱. مالیات به‌عنوان درصدی از صادرات و واردات الف) درآمد حاصل از مالیات تجاری (درصدی از بخش تجارت) ب) متوسط نرخ‌های تعرفه ج) انحراف‌معیار نرخ‌های تعرفه ۲. موانع قانونی تجارت الف) موانع غیرتعرفه‌ای* ب) هزینه‌های صادرات و واردات ۳. اندازه بخش تجاری نسبت به اندازه مورد انتظار ۴. نرخ ارز بازار سیاه ۵. کنترل‌های بازار سرمایه بین‌المللی* الف) محدودیت‌های سرمایه‌گذاری و مالکیت خارجی* ب) کنترل‌های سرمایه*</p>
<p><b>آزادی سرمایه‌گذاری</b></p> <p>۱. قوانین سرمایه‌گذاری* ۲. تشویق سرمایه‌گذاری خارجی توسط دولت از طریق رفتار عادلانه با سرمایه‌گذاران* ۳. محدودیت‌های دسترسی به ارز خارجی* ۴. برخورد یکسان قانون با بنگاه‌های خارجی و داخلی* ۵. محدودیت‌های تحمیلی دولت بر انتقالات سرمایه* ۶. بسته بودن صنایع خاص بر روی سرمایه‌گذاری خارجی به دلیل امنیت ملی*</p>	<p><b>ساختار قانونی و امنیت حقوق مالکیت</b></p> <p>۱. استقلال قضایی* ۲. عدالت قضایی* ۳. حمایت از حقوق مالکیت* ۴. دخالت نهادهای نظامی در اجرای قانون* ۵. یکپارچگی سیستم قانونگذاری* ۶. اجرای قانونی قراردادها* ۷. محدودیت‌های قانونی فروش دارایی حقیقی*</p>
<p><b>حقوق مالکیت</b></p> <p>۱. میزان حمایت قانون از دارایی‌های فردی و تلاش دولت در جهت اجرایی نمودن آن* ۲. میزان مصادره دارایی‌ها توسط سیستم قضایی* ۳. استقلال دستگاه قضایی* ۴. فساد در دستگاه قضایی* ۵. شرایط قراردادها*</p>	<p><b>دسترسی به پول سالم</b></p> <p>۱. رشد پول ۲. انحراف معیار تورم ۳. تورم سال‌های اخیر ۴. آزادی داشتن حساب بانکی خارجی*</p>
<p><b>آزادی پولی</b></p> <p>۱. میانگین نرخ تورم سه سال اخیر ۲. کنترل‌های قیمتی (نظیر پرداخت یارانه)*</p>	



شاخص آزادی اقتصادی هریتیج	شاخص آزادی اقتصادی فریزر
<p><b>آزادی مالی</b></p> <p>۱. گستره مقررات دولتی در رابطه با خدمات مالی *</p> <p>۲. میزان دخالت دولت در سیستم بانکی و سایر خدمات مالی *</p> <p>۳. سختی بازگشایی و عملکرد بنگاه‌های خدمات مالی (برای داخل و خارج) *</p> <p>۴. میزان تأثیرگذاری دولت‌ها در تخصیص اعتبارات *</p>	<p><b>مقررات بازار اعتبار</b></p> <p>۱. مالکیت بانک‌ها *</p> <p>۲. امکان رقابت بانک خارجی با داخلی *</p> <p>۳. محدوده اعتبارات بخش خصوصی *</p> <p>۴. کنترل‌های نرخ بهره (نرخ بهره واقعی منفی)</p>
<p><b>آزادی کسب‌وکار</b></p> <p>شروع کسب‌وکار:</p> <p>۱. مراحل * (تعداد)</p> <p>۲. مدت زمان * (روز)</p> <p>۳. هزینه * (درصدی از درآمد ناخالص ملی سرانه)</p> <p>۴. حداقل سرمایه مورد نیاز * (درصدی از درآمد ناخالص ملی سرانه)</p> <p>کسب مجوز مورد نیاز:</p> <p>۱. مراحل * (تعداد)</p> <p>۲. زمان *</p> <p>۳. هزینه * (درصدی از درآمد ناخالص ملی سرانه)</p> <p>انحلال شرکت‌ها:</p> <p>۱. زمان *</p> <p>۲. هزینه * (درصدی از دارایی)</p> <p>۳. نرخ برگشت سرمایه به دلار *</p>	<p><b>مقررات کسب‌وکار</b></p> <p>۱. هزینه اظهار نامه مالیاتی * (زمان صرف شده)</p> <p>۲. کنترل‌های قیمتی *</p> <p>۳. ملزومات مدیریتی *</p> <p>۴. هزینه‌های بروکراسی *</p> <p>۵. شروع کسب‌وکار *</p> <p>۶. محدودیت‌های اخذ مجوز *</p> <p>۷. رشوه *</p>
<p><b>آزادی از فساد</b></p> <p>۱. درجه فساد کشور * (شاخص فساد سازمان شفافیت بین‌الملل)</p>	
<p><b>آزادی نیروی کار</b></p> <p>۱. نسبت حداقل دستمزد به متوسط ارزش‌افزوده هر کارگر</p> <p>۲. موانع استخدام نیروی کار جدید *</p> <p>۳. انعطاف در ساعات کاری *</p> <p>۴. سختی اخراج نیروی کار *</p> <p>۵. عملکرد اتحادیه‌ها *</p> <p>۶. هزینه‌های غیردستمزدی نیروی کار *</p>	<p><b>مقررات بازار نیروی کار</b></p> <p>۱. حداقل دستمزد</p> <p>۲. مقررات استخدام و اخراج *</p> <p>۳. اتحادیه‌های کارگری *</p> <p>۴. قدرت تصمیم‌گیری بنگاه در مورد هزینه استخدام *</p> <p>۵. قدرت تصمیم‌گیری بنگاه در مورد هزینه اخراج *</p> <p>۶. نظام وظیفه *</p>

Source: Gwartney & Lawson, 2010 & heritage foundation, 2009.

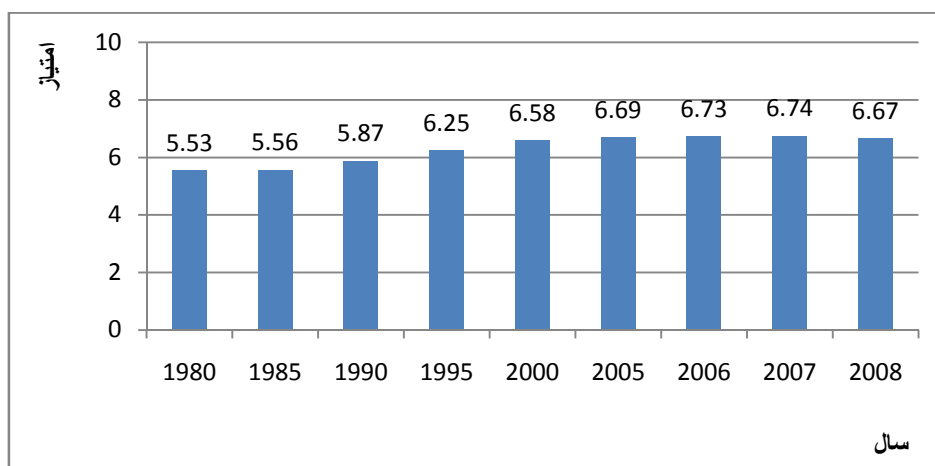
\* مؤلفه‌های ذهنی را نشان می‌دهد.

### ۳. جایگاه ایران از منظر شاخص‌های آزادی اقتصادی

آخرین گزارش آزادی اقتصادی مؤسسه فریزر در سال ۲۰۱۰ منتشر شده و در آن به مقایسه ۱۴۱ کشور جهان پرداخته شده است. آخرین سالی که داده‌ها برای محاسبه شاخص در دسترس بوده‌اند سال ۲۰۰۸ است. در رتبه‌بندی سال ۲۰۰۸ هنگ‌کنگ و سنگاپور همچون گذشته دو کشور برتر هستند. نیوزلند، سوئیس، شیلی، ایالات متحده آمریکا، کانادا، استرالیا، موریس و انگلیس به ترتیب در جایگاه سوم تا دهم جهانی قرار دارند. رتبه سایر اقتصادهای بزرگ دنیا نیز به صورت زیر است: آلمان (۲۴)، ژاپن (۲۴)، فرانسه (۳۵)، کره جنوبی (۳۷)، اسپانیا (۳۹)، ایتالیا (۶۶)، مکزیک (۶۹)، چین (۸۲)، روسیه (۸۴)، هند (۸۷) و برزیل (۱۰۲). ده کشور آخر نیز الجزایر، جمهوری کنگو، بروندي، گینه بیسائو، جمهوری آفریقای مرکزی، ونزوئلا، آنگولا، میانمار، جمهوری دمکراتیک کنگو و زیمبابوه هستند.<sup>۱</sup> ایران در سال ۲۰۰۸ در رتبه ۱۰۷ جهانی قرار گرفته است.

طبق این گزارش از سال ۱۹۸۰ تا ۲۰۰۸ کشورهای ترکیه، رژیم اشغالگر قدس، پرو، اوگاندا، غنا بیشترین تغییر را در درجه آزادی اقتصادی داشته‌اند و در مقابل ونزوئلا، زیمبابوه، میانمار، مالزی و نپال دارای کمترین تغییرات بوده‌اند. نمودار ۱ میانگین امتیاز جهانی شاخص EFW را به روش شاخص زنجیره‌ای نشان می‌دهد. در گزارش ۲۰۱۰ مؤسسه فریزر دلیل افزایش میانگین نرخ آزادی اقتصادی در بلندمدت، کاهش نرخ‌های مالیات، بهبود سیاست‌های پولی و آزادسازی تجارت خارجی کشورها عنوان شده است. میانگین امتیاز جهانی در سال ۲۰۰۸ افت کرده است.<sup>۲</sup>

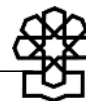
نمودار ۱. میانگین امتیاز جهانی شاخص EFW در دوره ۱۹۸۰ تا ۲۰۰۸



Source: Gwartney & Lawson, 2010, p. 12.

1. Gwartney & Lawson, 2010, p.6.

2. Ibid, p.13.



در آخرین رتبه‌بندی بنیاد هریتیج در سال ۲۰۱۱ که در آن ۱۸۳ کشور دنیا مورد مقایسه قرار گرفته‌اند، هنگ‌کنگ و سنگاپور آزادترین اقتصادهای دنیا هستند. استرالیا، نیوزلند، سوئیس، کانادا، ایرلند، دانمارک، ایالات متحده آمریکا و بحرین به ترتیب در رتبه‌های سوم تا دهم قرار دارند. رتبه سایر اقتصادهای بزرگ دنیا نیز به صورت زیر است: انگلیس (۱۶)، آلمان (۲۳)، ژاپن (۲۰)، فرانسه (۶۴)، کره جنوبی (۳۵)، اسپانیا (۳۱)، ایتالیا (۸۷)، مکزیک (۴۸)، چین (۱۳۵)، روسیه (۱۴۳)، هند (۱۲۴) و برزیل (۱۱۳). آخرین کشور جدول رتبه‌بندی کره شمالی است و سایر کشورهای پایانی میانمار، ونزوئلا، اریتره، کوبا و زیمبابوه هستند. ایران در سال ۲۰۱۱، در جایگاه ۱۷۱ جهانی قرار گرفته است. رتبه ایران در سال‌های ۲۰۰۶ تا ۲۰۰۸ که تعداد کشورهای مورد بررسی ۱۵۷ کشور بوده به ترتیب ۱۵۶، ۱۵۰ و ۱۵۱ بوده و در سال‌های ۲۰۰۹ و ۲۰۱۰ رتبه ۱۶۸ از ۱۸۳ کشور به ایران اختصاص داده شده است. همچنین در سال‌های اخیر ایران در میان ۱۷ کشور منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا (MENA) در رتبه شانزدهم قرار گرفته است.

در جداول ۲ و ۳ امتیازهای ایران در شاخص‌های EFW فریزر و EFI هریتیج به صورت سری زمانی آمده است.

جدول ۲. امتیاز و رتبه شاخص آزادی اقتصادی جهان برای ایران

سال	امتیاز	رتبه	تعداد کشور
۱۹۷۰	۵/۶	۲۸	۵۴
۱۹۷۵	۵/۷	۲۰	۷۲
۱۹۸۰	۳/۸	۹۴	۱۰۵
۱۹۸۵	۴/۱	۹۴	۱۱۱
۱۹۹۰	۴/۸	۹۲	۱۱۳
۱۹۹۵	۴/۵	۱۱۰	۱۲۳
۲۰۰۰	۵/۸	۹۵	۱۲۳
۲۰۰۱	۶/۲	۷۷	۱۲۳
۲۰۰۲	۶/۱	۷۷	۱۲۳
۲۰۰۳	۶/۱	۸۱	۱۲۷
۲۰۰۴	۶/۲	۷۸	۱۳۰
۲۰۰۵	۶/۳	۹۴	۱۴۱
۲۰۰۶	۶/۳	۹۸	۱۴۱
۲۰۰۷	۶/۱	۱۰۶	۱۴۱
۲۰۰۸	۶/۱	۱۰۷	۱۴۱

Source: www.freetheworld.com, Iran, 2011.

جدول ۳. امتیاز و رتبه شاخص آزادی اقتصادی هریتیج برای ایران

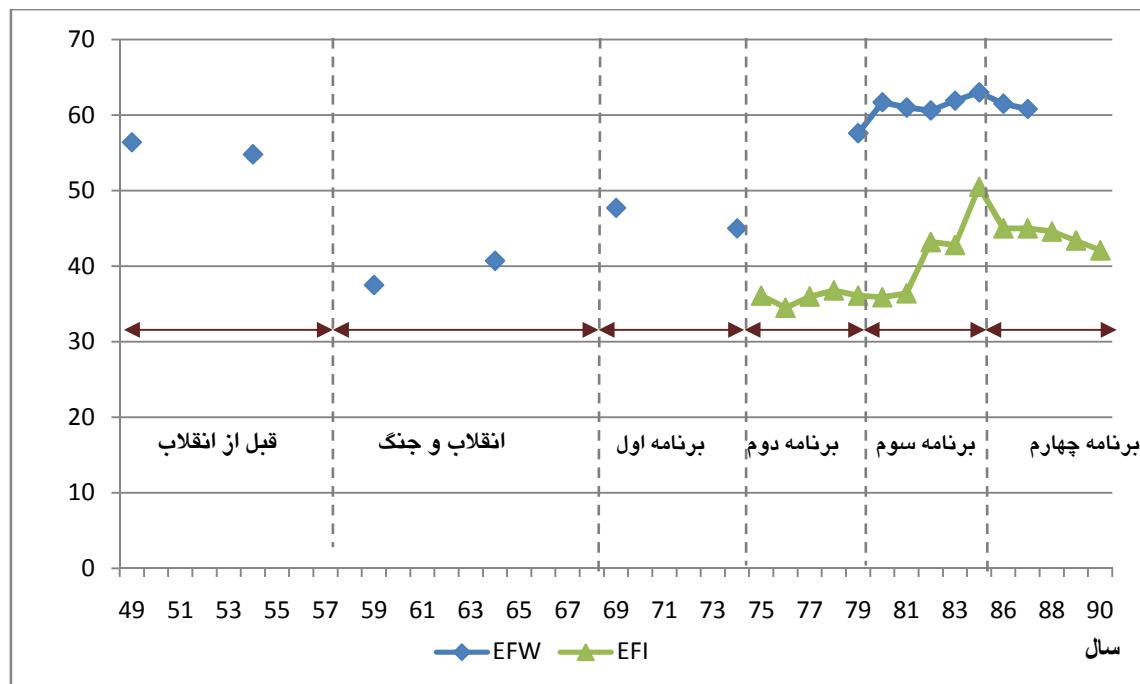
سال	امتیاز	رتبه	تعداد کشور
۱۹۹۶	۳۶/۱	-	-
۱۹۹۷	۳۴/۵	-	-
۱۹۹۸	۳۶	-	-
۱۹۹۹	۳۶/۸	-	-
۲۰۰۰	۳۶/۱	-	-
۲۰۰۱	۳۵/۹	-	-
۲۰۰۲	۳۶/۴	-	-
۲۰۰۳	۴۳/۲	-	-
۲۰۰۴	۴۲/۸	-	-
۲۰۰۵	۵۰/۵	-	-
۲۰۰۶	۴۵	۱۵۶	۱۵۷
۲۰۰۷	۴۵	۱۵۰	۱۵۷
۲۰۰۸	۴۵	۱۵۱	۱۵۷
۲۰۰۹	۴۴/۶	۱۶۸	۱۸۳
۲۰۱۰	۴۳/۴	۱۶۸	۱۸۳
۲۰۱۱	۴۲/۱	۱۷۱	۱۸۳

Source: www.heritage.org, Iran, 2011.

بدین ترتیب مشاهده می‌شود ایران در سال‌های اخیر در میان ۱۰ درصد انتهایی رتبه‌بندی هریتیج و در طول سال‌های انتشار شاخص EFW فریزر بین دهک ششم تا هشتم انتهایی (بجز سال‌های قبل از انقلاب) ارزیابی شده است.



## نمودار ۲. روند تغییرات درجه آزادی اقتصادی ایران در ادوار زمانی مختلف



به منظور ایجاد قابلیت مقایسه، امتیاز شاخص EFW در عدد ۱۰ ضرب شده و در مقیاس ۰ تا ۱۰۰ قرار گرفته است (محور عمودی نمودار).

دوره قبل از انقلاب: اگرچه امتیاز ایران در شاخص EFW در سال‌های ۱۹۷۰ و ۱۹۷۵ کمتر از امتیاز سال‌های ۲۰۰۰ به بعد است، اما از لحاظ رتبه بهترین موقعیت را در این دوره دارا هستیم. دوره انقلاب و جنگ: پایین‌ترین امتیاز ایران براساس شاخص EFW مربوط به این دوره است. بیشترین کاهش امتیاز در شاخص‌های فرعی ساختار قانونی و حقوق مالکیت و آزادی تجارت بین‌المللی بوده است.

دوره برنامه اول توسعه: در سال ۱۹۹۰ (۱۳۶۹) یعنی سال دوم برنامه اول، بهبود نسبی در امتیاز شاخص مؤسسه فریزر با توجه به پایان دوره جنگ قابل مشاهده است.

دوره برنامه دوم توسعه: سیاست‌های تعدیل ساختاری برنامه اول توسعه کاهش امتیاز در شاخص EFW را در سال ۱۹۹۵ (۱۳۷۴) به دنبال داشته است.

دوره برنامه سوم توسعه: بهبود امتیاز شاخص‌ها نسبت به گذشته قابل مشاهده است. این بهبود عمدتاً متأثر از اصلاح قوانین مالیاتی، یکسان‌سازی نرخ ارز و اصلاحات تجاری در برنامه سوم است.

دوره برنامه چهارم توسعه: روند کاهشی با توجه به افزایش نرخ تورم، افزایش مالیات و

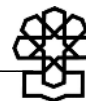
کاهش دستوری نرخ بهره بانکی مشاهده می‌شود، اما میانگین امتیاز در هر دو شاخص EFW و EFI نسبت به دوره قبل در سطح بالاتری است.

جدول ۴. امتیاز شاخص‌های فرعی EFW برای ایران

سال	اندازه دولت	ساختار قانونی و حقوق مالکیت	دسترسی به پول سالم	آزادی تجارت بین‌المللی	مقررات اعتبار، نیروی کار و کسب‌وکار
۱۹۸۰	۳/۴	۱/۸	۶/۹	۳	۳/۸
۱۹۸۵	۴/۳	۲/۳	۸/۱	۲/۳	۳/۳
۱۹۹۰	۵/۱	۲/۲	۹	۴	۳/۶
۱۹۹۵	۵/۳	۵/۶	۳/۹	۴	۳/۷
۲۰۰۰	۴/۹	۵/۹	۸	۵/۹	۴/۱
۲۰۰۵	۶/۳	۶/۱	۸/۱	۵/۷	۵/۲
۲۰۰۷	۶/۴	۶/۱	۸/۱	۵/۱	۵
۲۰۰۸	۶/۳	۶/۱	۷/۷	۵	۵/۱

Source: Gwartney & Lawson; 2010, p. 83.

جدول ۴ و ۵ امتیازات ایران در شاخص‌های فرعی آزادی اقتصادی را نشان می‌دهند. طبق امتیازات شاخص‌های فرعی EFW در جدول ۴، ایران به‌طور نسبی در زمینه مقررات و آزادی تجارت بین‌المللی ضعیف‌تر و در مقابل در حوزه سیاست‌های پولی عملکرد بهتری داشته است. آزادی اقتصادی ایران در تمامی ابعاد نسبت به گذشته بهبود داشته است. بیشترین بهبود از سال ۱۹۸۰ تا ۲۰۰۸ در زمینه ساختار قانونی و حقوق مالکیت رخ داده است. افزایش قابل توجه امتیاز این حوزه در فاصله سال‌های ۱۹۹۰ تا ۱۹۹۵ و پس از اتمام دوره انقلاب و جنگ است. در زمینه اندازه دولت، تغییرات عمده در فاصله سال‌های ۱۹۸۰ (۱۳۵۹) تا ۱۹۸۵ (۱۳۶۴) به دلیل کاهش سهم مخارج مصرفی نسبت به کل مخارج دولت و سال ۲۰۰۰ (۱۳۷۹) تا ۲۰۰۵ (۱۳۸۴)، به دلیل اصلاح در قانون مالیات‌های مستقیم در سال ۱۳۸۱ و بهبود شاخص‌های مالیاتی بوده است. کاهش شدید امتیاز در حوزه دسترسی به پول سالم در سال ۱۹۹۵ (۱۳۷۴) همزمان با تجربه بالاترین نرخ تورم در ایران (۴۹ درصد) است. سیاست یکسان‌سازی نرخ ارز در سال ۱۳۸۱ سبب افزایش امتیاز آزادی تجارت بین‌المللی در سال ۲۰۰۰ شده است. کاهش امتیاز حوزه آزادی تجاری در سال ۲۰۰۷ نیز به دنبال کاهش امتیاز مؤلفه میانگین نرخ تعرفه اتفاق افتاده است. در حوزه مقررات، در سال ۲۰۰۵ (۱۳۸۴)، مقررات بازار کار و شرایط ورود و خروج کسب‌وکار به مقررات بازار اعتبار اضافه شده و به دلیل بالاتر بودن نسبی این مؤلفه‌ها سبب افزایش امتیاز حوزه



مقررات نسبت به سال ۲۰۰۰ شده است. دلیل دیگر ارتقای امتیاز افزایش نرخ بهره حقیقی بوده است. نظام وظیفه یکی از عوامل پایین بودن امتیاز ایران در حوزه مقررات بازار کار است.

جدول ۵. امتیاز شاخص‌های فرعی آزادی اقتصادی هریتیج برای ایران

سال	آزادی کسب‌وکار	آزادی تجاری	آزادی مالیاتی	آزادی از مداخله دولت	آزادی پولی	آزادی سرمایه‌گذاری	آزادی مالی	حقوق مالکیت	آزادی از فساد	آزادی نیروی کار
ذهنی/عینی	ذهنی	ترکیبی*	عینی	عینی	ترکیبی*	ذهنی	ذهنی	ذهنی	ذهنی	ترکیبی*
۱۹۹۶	۵۵	۴۵	۴۱/۵	۹۲/۱	۵۱/۳	۱۰	۱۰	۱۰	۱۰	۱۰
۱۹۹۷	۵۵	۴۵	۴۱/۵	۸۵/۱	۴۳/۷	۱۰	۱۰	۱۰	۱۰	۱۰
۱۹۹۸	۵۵	۵۵	۴۱/۵	۸۴/۸	۴۸	۱۰	۱۰	۱۰	۱۰	۱۰
۱۹۹۹	۵۵	۵۶	۴۱/۴	۸۴	۵۴/۶	۱۰	۱۰	۱۰	۱۰	۱۰
۲۰۰۰	۵۵	۵۱/۴	۴۱/۳	۷۹/۷	۵۷/۶	۱۰	۱۰	۱۰	۱۰	۱۰
۲۰۰۱	۴۰	۶۲	۴۱/۳	۸۲/۷	۵۷/۲	۱۰	۱۰	۱۰	۱۰	۱۰
۲۰۰۲	۴۰	۴۷/۲	۴۰/۹	۷۹/۷	۵۹/۵	۳۰	۱۰	۱۰	۱۰	۱۰
۲۰۰۳	۴۰	۷۲/۸	۶۴/۲	۸۹/۶	۶۲/۳	۳۰	۱۰	۱۰	۱۰	۱۰
۲۰۰۴	۴۰	۷۸/۸	۶۴/۲	۸۰/۲	۶۱/۷	۳۰	۱۰	۱۰	۱۰	۱۰
۲۰۰۵	۴۰	۷۸/۸	۸۱/۲	۸۸	۶۰/۱	۳۰	۱۰	۱۰	۳۰	۷۶/۴
۲۰۰۶	۵۶/۱	۵۵/۴	۸۱/۲	۸۵/۱	۶۰/۱	۱۰	۱۰	۱۰	۲۹	۵۳
۲۰۰۷	۵۵/۴	۵۵/۴	۸۱/۲	۸۴/۵	۶۲	۱۰	۱۰	۱۰	۲۹	۵۲/۵
۲۰۰۸	۵۵/۸	۵۷/۴	۸۱/۱	۸۴/۵	۶۱/۳	۱۰	۱۰	۱۰	۲۷	۵۳/۱
۲۰۰۹	۶۰/۶	۵۷/۴	۸۱	۷۹/۷	۶۰/۱	۱۰	۱۰	۱۰	۲۵	۵۲/۴
۲۰۱۰	۶۹/۹	۵۰/۲	۸۱/۱	۷۹/۶	۵۴/۷	۰	۱۰	۱۰	۲۳	۵۵/۱

Source: www.Heritage.org, 2010.

\* شاخص، ترکیبی از مؤلفه‌های عینی و ذهنی است.

هریتیج برخلاف فریزر امتیازهای مربوط به مؤلفه‌های سازنده شاخص‌های فرعی را منتشر نمی‌کند و در گزارش‌های هر کشور نیز تغییرات شاخص‌های فرعی را در قالب عبارات کلی توصیف می‌کند. از میان ۱۰ شاخص فرعی EFI، دو شاخص فرعی آزادی از مداخله دولت و آزادی مالیاتی کاملاً متکی بر آمارهای عینی هستند، پنج شاخص فرعی آزادی از فساد، حقوق مالکیت، آزادی مالی و آزادی سرمایه‌گذاری و آزادی کسب‌وکار کاملاً ذهنی و سه شاخص فرعی دیگر به‌صورت ترکیبی از عوامل ذهنی و عینی هستند. بالاترین امتیاز ایران در شاخص‌های عینی و پایین‌ترین امتیازها در شاخص‌های ذهنی مشاهده می‌شود. بنابراین سه برداشت متفاوت امکانپذیر است:

۱. ایران در شاخص‌های عینی عملکرد بهتر و در شاخص‌های ذهنی عملکرد ضعیف‌تری (و نیز

بسیار ضعیفی در سطح بین‌المللی) دارد.

۲. طبیعت ذهنی شاخص‌ها به تفاوت‌های فاحشی در امتیازدهی منجر می‌شود. این مسئله می‌تواند ناشی از کمبود اطلاعات یا اختلاف در منابع داده باشد. همانطور که در جدول ۱ مشاهده می‌شود شاخص ساختار قانونی و حقوق مالکیت فریزر تا حد زیادی از نظر ترکیب و مؤلفه‌ها شبیه شاخص حقوق مالکیت هریتیج است، اما امتیازها و رتبه ایران در این حوزه از نظر هریتیج و فریزر بسیار متفاوت است.

۳. وجود مؤلفه‌های ذهنی احتمال سوءاستفاده‌های سیاسی و پایین نگهداشتن سطح امتیازها به‌طور عمدی را افزایش می‌دهد. برای مثال در سال ۲۰۰۰ (۱۳۷۹)، مجوز بانک خصوصی صادر شده و بانک‌های خصوصی شروع به فعالیت کرده‌اند. همچنین تأثیر دولت بر تخصیص اعتبارات در دوره برنامه سوم کاهش یافته است، اما امتیاز ایران در شاخص (ذهنی) آزادی مالی تغییری نداشته است. در مجموع درجه آزادی اقتصاد ایران در کل دوره مورد بررسی هریک از مؤسسات بهبود کمی داشته است. امتیاز شاخص EFI نسبت به EFW در سطح پایین‌تری است (همانطور که در رتبه‌بندی هریتیج نیز ایران در جایگاه پایین‌تری نسبت به فریزر قرار دارد)، اما باید به این نکته توجه داشت که تصویر ارائه شده از ایران در این بخش، از زاویه دید مؤسسه فریزر و بنیاد هریتیج بوده و لزوماً با واقعیات اقتصاد ایران انطباق ندارد. انتقادات برخی اندیشمندان خارجی که در ادامه به آنها پرداخته خواهد شد، نشانگر عدم قابلیت اتکا به گزارش‌های این مؤسسات در تحلیل اقتصاد داخلی و سیاستگذاری بر مبنای آنهاست.

#### ۴. نقد و ارزیابی شاخص‌های آزادی اقتصادی

شاخص‌های آزادی اقتصادی از طیف گسترده‌ای از مخاطبان در سطح جهان برخوردار هستند. علاوه بر سرمایه‌گذاران و مؤسسه‌های مالی و اعتباری، محققین از این شاخص‌ها در مطالعات رشد و توسعه اقتصادی به‌عنوان نماینده‌ای از کیفیت نهادی، کیفیت محیط کسب‌وکار، درجه باز بودن اقتصاد و... استفاده می‌کنند. نتایج تحقیقات تجربی تأثیر شاخص‌ها بر عملکرد اقتصادی، همواره مؤید رابطه‌ای مستحکم نیستند و اجرای سیاست‌های آزادسازی و خصوصی‌سازی در برخی کشورها با ناکامی مواجه بوده‌اند. لذا برخی از محققان در نقدی علمی، معایب و کاستی‌هایی را برای این شاخص‌ها متذکر می‌شوند که مهمترین آنها انتقاد به مبانی نظری و نگرش خاص ایدئولوژیک این شاخص‌هاست.



#### ۴-۱. تنوع نهادی و ویژگی‌های بومی

شاخص‌های آزادی اقتصادی با انتخاب مجموعه خاصی از چینش‌های نهادی، کشورهای مختلف جهان را مورد مقایسه قرار داده و رتبه‌بندی می‌کنند، اما باید به این نکته توجه داشت که تفاوت و تنوع بسیار زیاد در نهادهایی که اقتصاد بازار بر آنها تکیه دارد و رشد و توسعه اقتصادی را به دنبال دارند، اساساً مقایسه کشورها را با استفاده از مقیاسی یکسان با مشکل مواجه می‌کند. نمونه بارز در این رابطه، اقتصاد بزرگ چین است که با وجود رشد اقتصادی خیره‌کننده سال‌های اخیر، غالباً در رتبه‌بندی شاخص‌های آزادی اقتصادی در گروه کشورهای غیرآزاد قرار گرفته است. ابتدا برای روشن‌تر شدن بحث تنوع نهادی و ویژگی‌های بومی، تعریفی از نهاد و تفاوت شکل ظاهری نهادها با کارکرد آنها ارائه می‌شود.

**تعریف نهاد:** پذیرفته‌ترین تعریف برای نهاد یک دسته از قواعد رفتاری رسمی (قوانین، قراردادهای، نظام‌های سیاسی، سازمان‌ها، بازارها و...) و مجموعه‌ای از قواعد غیررسمی (هنجارها، سنن، رسوم، نظام‌های ارزشی، مذاهب، رویه‌های اجتماعی و...) است که هماهنگی بین دولت، افراد و گروه‌ها را تسهیل می‌کند (نورث، ۱۹۹۰). نهادها روی رفتارهای ما تأثیر دارند و بنابراین بر نتایج مانند عملکرد اقتصادی کارآیی، رشد اقتصادی و توسعه نیز تأثیر می‌گذارند.<sup>۱</sup>

**شکل نهاد:** رژیم حقوقی یک کشور، سهم رقابت و مقررات تنظیمی دولت در تخصیص منابع و امکاناتی که بازار از تخصیص آنها باز می‌ماند، اندازه بخش عمومی، سهم قاعده و صلاحدید در تنظیم سیاست‌های مالی، پولی و ارزی و مسائلی از این قبیل ناظر به شکل نهادهای عمومی در یک کشورند.<sup>۲</sup> رودریک و همکارانش (۲۰۰۰) نهادهای لازم برای رشد و توسعه اقتصادی را، از نظر کارکرد به صورت زیر دسته‌بندی می‌کنند:

الف) مجموعه خاصی از نهادها حقوق مالکیت را محافظت کرده و اجرای قراردادهای را تضمین می‌کنند. این نهادها را می‌توان نهادهای «بازارساز» نامید. زیرا در غیاب این نهادها یا بازارها تشکیل نمی‌شوند و یا به درستی کار نمی‌کنند.

ب) نهادهایی که عهده‌دار تنظیم آثار خارجی، صرفه‌های مقیاس و نقصان در اطلاعات هستند، نهادهای تنظیم بازار نامیده می‌شوند. مؤسسات و مقررات تنظیمی و نظارتی در مورد انحصارهای طبیعی و بازارهای مالی از این قبیل هستند.

ج) نهادهایی که تورم پایین، ثبات اقتصاد کلان و ثبات مالی را تضمین می‌کنند نهادهای تثبیت‌کننده

۱. مایلن خیرالله و یوهان جان کیرستن، ۲۰۰۲، ص ۳۰۶.

۲. مسعود نیلی و همکاران، ۱۳۸۹، ص ۷۸.

هستند. بانک‌های مرکزی، رژیم‌های منعطف نرخ ارز و قواعد مالی و بودجه‌ای از این دسته‌اند.

د) نهادهای حمایتی، حمایت‌های اجتماعی و بیمه‌ای را فراهم می‌کنند و عهده‌دار بازتوزیع منابع و امکانات و حل و فصل نزاع‌ها هستند. سیستم‌های بازنشستگی، بیمه‌های بیکاری، صندوق‌های تأمین اجتماعی، مقررات و نهادهای تأمینی، قضایی و دادگستری از این گروه به شمار می‌روند.

رودریک در توضیح تنوع نهادی اظهار می‌دارد: «نهادهای مناسب برای اقتصاد بازار به صورتی منحصر به فرد معین نمی‌شود. تنها یک ارتباط معین میان بازار و مجموعه‌ای از نهادهای ضروری برای پایداری آن وجود ندارد. این امر در تنوع گسترده نهادهای تنظیمی، تثبیتی و مشروعیت ساز انعکاس می‌یابد که امروزه در جوامع پیشرفته صنعتی مشاهده می‌شوند. روش آمریکایی نظام سرمایه‌داری بسیار متفاوت با روش ژاپنی سرمایه‌داری است. این دو با شیوه اروپایی تفاوت دارند. حتی در درون قاره اروپا، تفاوت‌های عمده‌ای مثلاً میان چینش‌های نهادی سوئد و آلمان وجود دارد. این یک اشتباه معمول ژورنالیستی است که فرض می‌کند مجموعه‌ای از ترتیبات نهادی باید بر سایر ترتیبات نهادی غلبه کنند تا عملکرد صحیح نظام اقتصادی - اجتماعی ممکن شود. براساس ملاک‌های دهه ۱۹۷۰ (بیکاری پایین، نرخ رشد بالا و فرهنگ کامیابی و موفقیت) اروپا در سراسر جهان سرمشق بود. در طول دهه ۱۹۸۰ که تجارت [میزان صادرات] ملاک قرار گرفت، ژاپن به نمونه‌ای مثال‌زدنی مبدل شد و سال‌های دهه ۱۹۹۰ روش سرمایه‌داری آزاد آمریکایی مورد توجه قرار گرفت. هرکس می‌تواند حدس بزند، اگر زمانی بازار سهام ایالات متحده در معرض تحولات مهمی قرار می‌گیرد، کدام گروه از کشورها نظر مردم جهان را به خود جلب خواهند کرد. تنوع نهادی، در واقع، معنای اساسی‌تری دارد. چینش‌های نهادی که امروزه مشاهده می‌کنیم، خود زیرمجموعه‌ای از احتمالات بالقوه نهادهای مختلف هستند. این نکته‌ای است که رابرت اونگر (۱۹۹۸) قویاً مطرح کرده است. دلیلی در دست نیست که جوامع نوین تمامی اشکال نهادهای مناسب را که می‌توانند به اقتصادی سالم، پویا و پرتحرک منتج شوند، به کار گرفته باشند. حتی اگر بپذیریم که اقتصادهای مبتنی بر بازار، وجود نهادهای خاصی را طلب می‌کنند چنین نهادهای ضروری را نمی‌توان از یک فهرست معین و محدود انتخاب کرد. احتمالات به شکل نظام‌های انشقاق‌ناپذیر نیستند که با یکدیگر برقرار شوند و همراه با هم سقوط نمایند. همواره اشکال جایگزین ترتیبات نهادی وجود دارند که قادرند از آزمون‌های عملی سربلند بیرون آیند. ما باید نسبت به اندیشه‌ای که مجموعه خاصی از نهادها را - برای مثال شکل خاصی از دولت مبتنی بر تعاون، نظام تأمین اجتماعی، یا قانون کار - تنها نهادهایی می‌داند که با عملکرد صحیح اقتصاد بازار



سازگارند، بدبینی منطقی داشته باشیم»<sup>۱</sup>.

دلار (۲۰۰۳) تفاوت‌ها در درون هر کشور را نیز متذکر می‌شود: «این شاخص‌ها به منظور نشان دادن وضعیت محیط کسب‌وکار در سطح ملی طراحی شده‌اند و استفاده از آنها به معنی یکسان فرض کردن فضای کسب‌وکار در درون یک کشور است. درحالی که در واقعیت ممکن است تفاوت‌های زیادی بین محیط کسب‌وکار مناطق و صنایع مختلف یک کشور وجود داشته باشد»<sup>۲</sup>.

رودریک و همکارانش (۲۰۰۲) معتقدند: «ترکیب بهینه‌ای از شرایط محلی تعیین‌کننده فرم ظاهری نهادها و سیاست‌های ناظر به رشد بلندمدت اقتصادی وجود دارد به‌گونه‌ای که تفاوت قابل ملاحظه‌ای در شکل ظاهری ترتیبات نهادی در بخش عمومی، از قبیل نقش و اندازه بخش عمومی، طبیعت سیستم قضایی، حاکمیت شرکتی، بازارهای مالی، بازار کار، سازوکارهای تأمین اجتماعی، در کشورهای وجود دارند که کارکرد تقریباً یکسانی را در نهادهای عمومی خود به نمایش گذارده‌اند. تحلیل رودریک و همکارانش دو نتیجه مهم به دنبال دارد، نخست آنکه تأکید بر کارکرد نهادها نباید تأکید بر شکل ظاهری آنها را به دنبال داشته باشد. زیرا شکل ظاهری نهادها باید با بسترهای اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و سیاسی محلی، لزوماً در بافتی متفاوت همان کارکرد را نتیجه نمی‌دهد.

نتیجه دوم آن است که هرچند سیاست‌ها و کارکرد نهادها قابل اقتباس‌اند، اما اقتباس در شکل ظاهری لزوماً نتایج رضایت‌بخشی به دنبال ندارد. پاسخ به سؤالات پیش‌گفته در مورد فرم ظاهری نهادهای رشد‌مدار در هر کشور، با توجه به زمینه‌های اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و سیاسی کشور مورد بحث، بیشتر مستلزم طراحی و معماری است تا اقتباس و تقلید.

تحلیل ارائه شده همچنین نشان می‌دهد نهادها یک بعد فراگیر و یک بعد محلی دارند و بعد فراگیر ناظر به ویژگی‌های مشترکی است که نهادها برای تقویت رشد اقتصادی باید داشته باشند. این ویژگی‌ها حاصل تجربه بشری و فراملیتی است. کشورهای کمتر توسعه‌یافته و درحال توسعه لازم است این ویژگی‌ها را از تجربه اقتصادی‌های موفق اقتباس کرده و به اجرا گذارند، از سوی دیگر، ویژگی‌های محلی ناظر به شرایط تطبیق‌های ویژگی‌های جهانی و فراگیر با ویژگی‌های بومی و محلی اقتصاد مورد نظر است.

در این صورت سؤال بعدی این خواهد بود که ویژگی‌های محلی چگونه باید انتخاب شوند. قبلاً نشان داده شد که آن دسته از ویژگی‌های نهادها که ناظر به سازوکارهای انگیزشی آحاد اقتصادی است مرز نمی‌شناسد و فراملیتی است، اما توضیح داده نشد که چگونه کارکردهای رشد‌مدار نهادها

۱. زهر کریمی، ۱۳۸۴، صص ۷۰-۷۱.

2. David Dollar, 2003, p.3.

با شکل و ساختار بومی و محلی مناسب باید تطبیق داده شده و به عبارت دیگر لباس محلی مناسبی بر قامت ویژگی‌های فراگیر نهادها پوشانده شود. واقعیت آن است که ادبیات اقتصادی در این زمینه حرف چندانی برای گفتن ندارند»<sup>۱</sup>.

## ۲-۴. دیدگاه ایدئولوژیکی و اهداف سیاسی

از نظر هانسون (۲۰۰۶) توجه به نوع سازمان فراهم‌کننده شاخص، می‌تواند ما را در تعیین کاربرد و هدف تدوین شاخص راهنمایی کند. وی مؤسسات را به دو گروه اصلی تقسیم می‌کند: تجاری و غیرتجاری. شرکت‌های تجاری معمولاً شاخص‌ها را برای سرمایه‌گذاران خارجی ایجاد می‌کنند و اطلاعات و رتبه‌بندی‌های مورد نیاز تصمیم‌گیری برای سرمایه‌گذاری را به افراد و شرکت‌ها می‌فروشند. اما غیرتجاری‌ها (مانند مؤسسه فریزر و بنیاد هریتیج) به نوعی یک سازمان عمومی یا یک گروه از محققین هستند که امتیازات و رتبه‌بندی‌های کشورهای را به‌طور آزاد در دسترس همگان قرار می‌دهند. از این رو تعیین هدف آنها مشکل است و غیرمعمول نیست که شاخص‌ها را به دلایل سیاسی یا ایدئولوژیکی ساخته باشند.<sup>۲</sup> «شاخص EFW از ابتدا بر پایه اعتقادی سیاسی ساخته شده که دخالت دولت باید کاهش یابد و حقوق کارگران در حداقل نگه داشته شود. EFW بیشتر یک فهرست سیاسی است که در آن آزادی اقتصادی نه تنها به معنی حمایت از حقوق مالکیت و دادگاه‌های مستقل است، بلکه به معنی محدود کردن قدرت و تأثیر دولت و نگه داشتن حقوق کارگران در حداقل است»<sup>۳</sup>.

رودریک (۲۰۰۰) عملکرد نهادهای مالی بین‌المللی مانند صندوق بین‌المللی پول و بانک جهانی را به دلیل تکیه بر دیدگاه نئولیبرالی مورد انتقاد قرار می‌دهد. دیدگاهی که باعث شد گرایش به سوی مکانیسم بازار آزاد و انجام سیاست‌های آزادسازی و خصوصی‌سازی به‌عنوان الگویی در دهه‌های ۱۹۸۰ و ۱۹۹۰ پیشنهاد شود.

«مشاوران سیاسی و نهادهای مالی بین‌المللی، با تأکید بر این دیدگاه که اقتصاد مبتنی بر بازار به میزان زیادی به نهادسازی نیازمند است، تحولات نهادی را بهانه‌ای برای توجیه توصیه‌ها و شروط خویش قرار داده و عرصه شروط خود را از نهادهای پولی و مالی به سوی نهادهای مدیریتی، نظارت بر بازار دارایی‌ها، فعالیت‌های بازار کار، رابطه میان دولت و بخش خصوصی، فساد، شفافیت و سیاست‌های حمایتی تأمین اجتماعی گسترش داده‌اند. درحالی که این برنامه‌ها

۱. مسعود نیلی و همکاران، ۱۳۸۹، صص ۷۹ و ۸۰.

2. Gustav Hansoon, 2006, p.7.

3. Ibid, p.13.



حقوقی اساسی برای تشخیص تحولات نهادی ضروری برای نهادهای مالی بین‌المللی به وجود آورده‌اند، مشخص نیست که نهادهای مالی بین‌المللی بتوانند بر انحراف دیدگاه «نئولیبرالی» مبنی بر وجود الگوی اجتماعی - اقتصادی منحصر به فرد غلبه کنند. الگویی که ایالات متحده، اگرچه دوباره‌سازی، حداقل شبیه‌سازی کرده است. بر اساس این الگو، زمانی که کره جنوبی از صندوق بین‌المللی پول درخواست وام کرد، صندوق بین‌المللی پول از این کشور خواست که مجموعه‌ای از اصلاحات مبهم و نامشخص را در فعالیتهای تجاری و حساب سرمایه، ارتباط میان دولت و بخش خصوصی و نهادهای بازار کار، به اجرا گذارد و اقتصاد کره را برطبق آرمان‌های اقتصاددانان مکتب واشنگتن<sup>۱</sup> از اقتصاد بازار آزاد، مجدداً قالب‌گیری کند. این الگو، نه تنها تاکنون آزمون نشده بود، بلکه راه را بر روی برخی از راهبردهای توسعه می‌بست که در گذشته به کار گرفته شده بود یا می‌شد آنها را در آینده به کار بست. اگر کره، کشوری با سابقه توسعه مثال‌زدنی، تحت چنین فشارهایی قرار می‌گیرد، می‌توان تصور کرد با کشورهای کوچک با اقتصادهایی که سوابق تاریخی برجسته‌ای ندارند، چگونه برخورد می‌شود. دیدگاهی که به برتری مسلم الگوی خاصی از اقتصاد سرمایه‌داری معتقد است، از نظر گستره تنوع نهادی که اقتصاد بازار دارای توان پذیرش آنهاست، محدودیت‌هایی ایجاد می‌کند. نگرانی عمده در مورد شروط تعیین شده توسط نهادهای مالی بین‌المللی، به آن دسته از معیارهایی مربوط می‌شود که به مثابه فرآیندی برای جداسازی و تمایز برخی از ترجیحات در مجموعه‌های نهادی عمل می‌کند - حمایت از آزادسازی حساب سرمایه، آزادسازی بازار کار، ایجاد دستگاه اجرایی به سبک آمریکایی و مخالفت با سیاست‌های صنعتی - به کشورهای درخواست‌کننده وام تحمیل می‌شود»<sup>۲</sup>.

### ۳-۴. ناسازگاری با مفهوم آزادی اقتصادی

کاپاس و چگلدی<sup>۳</sup> (۲۰۰۸) براساس دیدگاه نظری هایک انتقادی مفهومی در رابطه با شاخص EFW

۱. رویکرد مکتب شیکاگو که در ابتدای دهه ۱۹۹۰ به «اجماع واشنگتنی» معروف شد. منظور از اجماع واشنگتنی، اجماع محافل سیاستگذاری در واشنگتن (بانک جهانی، صندوق بین‌المللی پول، خزانه‌داری امریکا و فدرال رزرو) در سال ۱۹۸۹ بر اصول دهگانه برای اصلاحات اقتصادی ارائه شده توسط جان ویلیامسون پژوهشگر مؤسسه اقتصاد بین‌الملل بود. این اصول عبارتند از: کنترل کسری بودجه، هدفمند کردن یارانه‌ها، اصلاح نظام مالیاتی، آزادسازی نرخ بهره، نرخ ارز رقابتی، آزادسازی تجاری، آزادسازی سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی، خصوصی‌سازی، مقررات‌زدایی و احترام به حقوق مالکیت.

ویلیامسون (۲۰۰۳) در مقاله‌ای با عنوان «تاریخچه اجماع واشنگتنی و پیشنهادهای برای برنامه کار اصلاحات» به این مسئله تأکید می‌کند که ده سیاست اصلاحی صرفاً برای آمریکای لاتین سال ۱۹۸۹ طراحی شده بود و برای دستور کار در همه کشورها در همه زمان‌ها بی‌معناست و وی هرگز تصور نمی‌کرد که اصطلاحی که ابداع کرده، بیش از ده سال شعار نبردی عقیدتی و ایدئولوژیک خواهد شد.

۲. زهر کریمی، ۱۳۸۴، صص ۹۲ و ۹۳.

3. Kapás & Czegeledi

فریزر مطرح می‌کنند. بررسی آنها نشان می‌دهد با وجود اینکه دیدگاه نئولیبرالی از نظر برخی مبنای شاخص‌های آزادی اقتصادی تلقی می‌شوند، شاخص EFW با مفهوم آزادی اقتصادی سازگاری ندارد. تعدادی از مؤلفه‌ها لزوماً آزادی را اندازه نمی‌گیرند و تعداد نسبتاً زیادی، متغیرهای سیاست اقتصادی هستند که با متغیرهای نهادی تلفیق شده‌اند.

فعالیت‌های دولت را می‌توان به دو گروه تقسیم کرد: گروه اول فعالیت‌های اجباری که شامل فعالیت‌های اجباری سازگار با آزادی مانند اجرای قراردادها و تضمین حقوق مالکیت و فعالیت‌های ناسازگار با آزادی مانند کنترل قیمت و دستمزد، یارانه‌ها و پرداخت‌های انتقالی هستند. دسته دوم فعالیت‌های غیراجباری که آزادی را اندازه نمی‌گیرند. این دسته، نتایج فعالیت‌های دولتی هستند و غالباً بر اندازه دولت تأثیر می‌گذارند. فعالیت‌هایی مانند تولید کالا و خدمات عمومی در این دسته قرار می‌گیرند. این نوع از فعالیت‌های دولت می‌تواند چارچوب نهادی مطلوب فعالان اقتصادی بخش خصوصی را فراهم کند، تنها در شرایطی که دولت کارآ عمل کند. در شاخص EFW مؤلفه‌هایی مانند سهم مالکیت و سرمایه‌گذاری دولتی از سرمایه‌گذاری کل، اندازه واقعی بخش تجاری نسبت به اندازه قابل انتظار و بخشی از مقررات اعتبار مانند مالکیت بانک‌ها و محدوده اعتبارات بخش خصوصی که به اندازه بانکداری خصوصی بستگی دارند (بجز کنترل‌های اعتبار و نرخ بهره) با مقوله آزادی مرتبط نیستند.<sup>۱</sup>

آزادی اقتصادی در نهادهای مختلف متبلور می‌شود، اما EFW شامل متغیرهای سیاست اقتصادی نیز هست. در این خصوص باید توجه داشت که مقوله آزادی اقتصادی از بعد نظری متفاوت از مفهوم کارآیی است، اگرچه این دو در مواردی هم‌پوشانی دارند. اگر کشوری در مقایسه با کشور دیگر سیاست‌های اقتصادی کارآتری را دنبال کند به این معنی نیست که از نظر آزادی بهتر است. مؤلفه‌هایی مانند رشد حجم پول، نرخ تورم، انحراف معیار تورم، نرخ‌های مالیات و سهم مخارج مصرفی دولتی از کل مخارج از جمله متغیرهای سیاستی هستند.<sup>۲</sup>

#### ۴-۴. امتیازدهی مؤلفه‌های ذهنی و عینی

شاخص‌های آزادی اقتصادی از مجموعه‌ای از مؤلفه‌های ذهنی و عینی تشکیل شده‌اند. امتیاز مؤلفه‌های ذهنی با استفاده از نظرات گروهی از افراد تعیین می‌شود، بنابراین امتیازات وابسته به قضاوت‌های شخصی افرادی با انتظارات، احساسات و عقاید مختلف است. مؤلفه‌های عینی این مزیت را دارند که متکی بر منابع داده‌های کمی کشورها هستند و از قضاوت‌های شخصی به دورند،

1. Judit Kapás and Pál Czeglédi, 2008, p.3.

2. *Ibid*, p.4.



لذا مورد اعتماد بیشتری هستند. با این حال مؤلفه‌های کمی شاخص نیز با نظر گروهی از کارشناسان انتخاب می‌شوند. بنابراین آنها نیز تا اندازه‌ای ذهنی هستند.<sup>۱</sup> مشکل دیگر سنجش ذهنی مؤلفه‌ها این است که غالباً نتیجه آنها محدود به رتبه‌بندی کشورهاست و میزان تفاوت آشکار نمی‌شود. برای مثال ممکن است تفاوت کیفیت سیستم قضایی ایالات متحده و آفریقای جنوبی نسبت به تفاوت آفریقای جنوبی و ژئیر بسیار بیشتر باشد.<sup>۲</sup> بانک جهانی در گزارش سال ۲۰۰۴ خود، کاستی‌هایی را برای مطالعات پیمایشی بر می‌شمرد و نشان می‌دهد که پرسش‌های پیمایشی از برداشت‌های شخصی، لزوماً به پاسخ‌های معنادار نمی‌انجامد. دلایل متعددی در این مسئله نقش دارند. از جمله می‌توان به عدم بی‌طرفی در طراحی تحقیق، اثر مقیاس پاسخ‌ها بر ذهن مخاطب، عدم تمایل پاسخ‌دهندگان به پذیرش کمبود دانش یا نگرش ناقص خود نسبت به موضوع و انتخاب نامناسب نمونه‌ها اشاره کرد.<sup>۳</sup>

#### ۴-۵. انتخاب روش تجمیع

انتخاب روش مناسب وزن‌دهی شاخص‌های ترکیبی با عناصر ناهمگن سؤالی است که به سادگی نمی‌توان به آن پاسخ داد. چراکه برخی از مؤلفه‌های شاخص‌های آزادی از جنس نهاد، بعضی از نوع سیاست و بعضی دیگر نتایج کلان اقتصادی هستند. تعدادی از مؤلفه‌ها با هم، همپوشانی دارند و برخی دیگر کاملاً مستقل از سایر مؤلفه‌ها هستند. بنابر این یافتن مناسب‌ترین روش ترکیب مؤلفه‌ها مشکل است. یکی از انتقادهایی که به روش ساخت شاخص‌های آزادی اقتصادی وارد می‌شود، انتخاب سلیقه‌ای روش تجمیع است که عموماً فاقد استدلال علمی است، اما حداقل، فرض‌هایی که برای وزن‌دهی به‌کار گرفته می‌شود باید آزمون شوند.<sup>۴</sup> این درحالی است که روش‌های متفاوت تجمیع می‌توانند به نتایج بسیار متفاوت در رتبه‌بندی و مقدار شاخص کل منجر شود.

برخی محققین به استفاده از روش‌هایی مانند «تحلیل عاملی» یا تحلیل «مؤلفه‌های اصلی» برای تعیین وزن، در شرایطی که مؤلفه‌های بسیاری با وزن‌های نامشخص برای ترکیب وجود دارند، تأکید می‌کنند. روش تحلیل مؤلفه‌های اصلی در چند گزارش مؤسسه فریزر به‌عنوان روش تجمیع به‌کار رفته است، درحالی که اثر مؤلفه‌های شاخص آزادی اقتصادی فریزر بر رشد اقتصادی مثبت در نظر گرفته می‌شود، روش تحلیل مؤلفه‌های اصلی علامت منفی را برای برخی از این مؤلفه‌ها لحاظ می‌کند. هکلمن و استراپ (۲۰۰۵) در تحلیلی مقایسه‌ای نشان داده‌اند به‌کارگیری روش‌های

1. Gustav Hansoon, 2006, p.6.

2. Janine Aron, 2000, p.115.

۳. بانک جهانی، ۱۳۸۷، صص ۷۲-۷۴.

۴. همان.

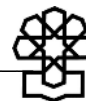
متفاوت تجمیع توسط مؤسسه فریزر موجب تفاوت زیادی در رتبه‌بندی و امتیازات کشورها شده است. به‌طور مثال با مقایسه روش‌های مختلف برای داده‌های سال ۱۹۹۰، ایالات متحده به روش میانگین ساده رتبه یک و به روش اولین مؤلفه اصلی رتبه ۳۸ را به‌دست می‌آورد. هند با اعمال روش تجمیع اولین مؤلفه اصلی دارای بهترین محیط کسب‌وکار در دنیا و براساس میانگین ساده دارای رتبه ۴۶ است.<sup>۱</sup>

جدول زیر مقایسه‌ای از مقدار شاخص آزادی اقتصادی جهان مؤسسه فریزر و رتبه‌بندی کشورها را در صورت به‌کارگیری روش‌های تجمیع متفاوت (میانگین ساده، اولین مؤلفه اصلی، قدر مطلق اولین مؤلفه اصلی و ششمین مؤلفه اصلی) نشان می‌دهد.

جدول ۶: مقایسه روش‌های تجمیع متفاوت در ساخت شاخص آزادی اقتصادی مؤسسه فریزر

کشور	میانگین	قدرمطلق اولین مؤلفه اصلی	اولین مؤلفه اصلی	ششمین مؤلفه اصلی
ایالات متحده آمریکا	۸/۰۴ (۱)	۱۸/۱۷ (۳۲)	۸/۴۱ (۳۸)	۴/۴۵ (۲۱)
کانادا	۷/۷۵ (۲)	۱۶/۳۰ (۳۷)	۶/۴۳ (۴۵)	۲۸/۴ (۲۳)
مالزی	۷/۶۲ (۳)	۱۳/۶۵ (۴۶)	۶/۰۴ (۴۷)	۵/۳۸ (۱۶)
ژاپن	۷/۵۸ (۴)	۲۱/۶۳ (۲۵)	۱۲/۰۱ (۳۱)	۴/۰۰ (۲۶)
انگلیس	۷/۱۹ (۵)	۲۲/۹۲ (۲۳)	۱۶/۰۵ (۲۱)	۰/۴۲ (۵۰)
پاناما	۷/۰۶ (۶)	۲۸/۱۷ (۵)	۲۵/۸۹ (۳)	۲/۷۶ (۳۳)
استرالیا	۷/۰۴ (۷)	۱۸/۰۴ (۳۳)	۹/۸۰ (۳۶)	۲/۲۸ (۳۶)
کاستاریکا	۶/۹۶ (۸)	۱۵/۷۶ (۴۱)	۱۱/۱۹ (۳۴)	۹/۴۸ (۲)
آلمان	۶/۷۹ (۹)	۱۲/۶۰ (۵۱)	۱۰/۹۷ (۳۵)	۲/۸۶ (۳۱)
نیوزلند	۶/۷۹ (۹)	۲۶/۸۹ (۱۱)	۲۱/۱۴ (۱۷)	۰/۸۰ (۴۷)
بلژیک	۶/۶۰ (۱۱)	۹/۸۴ (۵۴)	--/۴۵ (۵۵)	۱/۹۲ (۳۷)
هلند	۶/۵۰ (۱۲)	۲۳/۹۱ (۱۹)	۲۲/۲۷ (۱۴)	۵/۲۱ (۱۷)
اروگوئه	۶/۴۸ (۱۳)	۱۶/۴۴ (۳۶)	۷/۱۸ (۴۲)	۴/۲۹ (۲۲)
اندونزی	۶/۴۶ (۱۴)	۶/۴۲ (۵۶)	۰/۷۶ (۵۳)	۵/۱۲ (۱۹)
گوآتمالا	۶/۲۱ (۱۵)	۱۸/۹۷ (۳۰)	۱۵/۱۷ (۲۴)	۸/۶۱ (۳)
دانمارک	۶/۱۵ (۱۶)	۲۷/۵۳ (۷)	۲۱/۱۹ (۱۶)	۰/۷۶ (۴۸)
اتریش	۶/۰۴ (۱۷)	۲۳/۰۰ (۲۲)	۲۳/۰۰ (۱۰)	۳/۶۵ (۲۸)
تایلند	۵/۹۸ (۱۸)	۱۷/۸۶ (۳۴)	۸/۴۶ (۳۷)	۰/۱۰ (۵۳)
فرانسه	۵/۹۴ (۱۹)	۱۱/۳۸ (۵۲)	۷/۸۵ (۴۱)	۷/۱۳ (۷)
شیلی	۵/۷۹ (۲۰)	۷/۳۷ (۵۵)	۰/۶۴ (۵۴)	-۴/۱۹ (۵۶)
بولیوی	۵/۶۹ (۲۱)	۲۰/۹۸ (۲۶)	۱۱/۹۳ (۳۲)	۷/۰۱ (۸)
فیلیپین	۵/۶۲ (۲۲)	۲۴/۴۶ (۱۷)	۱۳/۷۹ (۲۶)	۶/۰۲ (۱۲)

1. Jac C Heckelman & Michael Stroup, 2005, p.957.



کشور	میانگین	قدرمطلق اولین مؤلفه اصلی	اولین مؤلفه اصلی	ششمین مؤلفه اصلی
ایتالیا	۵/۵۸ (۲۳)	۲۰/۲۵ (۲۷)	۱۲/۴۰ (۲۹)	۰/۲۹ (۵۱)
فیجی	۵/۵۴ (۲۴)	۲۹/۱۲ (۳)	۲۴/۶۴ (۶)	۱/۳۸ (۴۲)
مکزیک	۵/۵۰ (۲۵)	۱۴/۴۶ (۴۳)	۶/۱۵ (۴۶)	۱/۰۵ (۴۴)
ایسلند	۵/۴۰ (۲۶)	۱۵/۶۲ (۴۲)	۶/۶۷ (۴۴)	۶/۳۷ (۹)
فنلاند	۵/۳۵ (۲۷)	۱۴/۲۱ (۴۴)	۵/۵۲ (۴۹)	۱۲/۹۲ (۱)
ایرمنند	۵/۳۱ (۲۸)	۱۹/۰۸ (۲۹)	۱۴/۰۱ (۲۵)	۰/۸۶ (۴۶)
نروژ	۵/۲۵ (۲۹)	۱۳/۶۲ (۴۷)	۵/۸۷ (۴۸)	۰/۱۷ (۵۲)
ونزوئلا	۵/۲۵ (۲۹)	۱۰/۲۵ (۵۳)	-۰/۸۶ (۵۶)	-۱/۳۹ (۵۴)
بلیز	۵/۱۲ (۳۱)	۳۰/۳۴ (۱)	۲۴/۷۲ (۵)	۲/۵۰ (۳۴)
سوئد	۵/۰۰ (۳۲)	۱۴/۱۸ (۴۵)	۷/۱۷ (۴۳)	۵/۵۹ (۱۴)
مصر	۴/۸۱ (۳۳)	۲۵/۵۵ (۱۲)	۲۳/۸۴ (۷)	۴/۲۰ (۲۴)
کنیا	۴/۸۱ (۳۳)	۲۵/۵۲ (۱۳)	۲۳/۵۶ (۸)	۵/۱۸ (۱۸)
کامرون	۴/۷۱ (۳۵)	۲۸/۸۷ (۴)	۲۶/۴۴ (۲)	۳/۹۵ (۲۷)
اردن	۴/۷۱ (۳۵)	۱۶/۷۹ (۳۵)	۴/۷۵ (۵۰)	۵/۶۷ (۱۳)
ترکیه	۴/۶۷ (۳۷)	۲۳/۱۴ (۲۱)	۲۲/۳۵ (۱۲)	۲/۸۶ (۳۱)
اکوادور	۴/۶۵ (۳۸)	۱۸/۹۰ (۳۱)	۱۲/۲۰ (۳۰)	۴/۰۳ (۲۵)
باربادوس	۴/۶۲ (۳۹)	۱۲/۸۵ (۴۹)	۳/۸۲ (۵۱)	۲/۹۹ (۳۰)
اسپانیا	۴/۴۲ (۴۰)	۲۵/۲۴ (۱۴)	۲۱/۴۰ (۱۵)	۰/۷۶ (۴۸)
بوتسوانا	۴/۲۵ (۴۱)	۱۳/۰۷ (۴۸)	۳/۳۳ (۵۲)	۱/۸۹ (۳۸)
آفریقای جنوبی	۴/۱۰ (۴۲)	۲۲/۹۲ (۲۳)	۱۳/۳۷ (۲۷)	۷/۶۵ (۴)
آرژانتین	۴/۰۶ (۴۳)	۱۵/۸۶ (۳۹)	۸/۲۰ (۴۰)	۶/۱۶ (۱۱)
کلمبیا	۴/۰۶ (۴۳)	۲۹/۸۰ (۲)	۲۲/۳۳ (۱۳)	۱/۶۵ (۳۹)
مالاوی	۴/۰۶ (۴۳)	۱۹/۴۱ (۲۸)	۱۵/۶۵ (۲۳)	۳/۱۷ (۲۹)
هند	۴/۰۴ (۴۶)	۲۷/۰۹ (۹)	۲۶/۵۰ (۱)	۱/۴۰ (۴۱)
پرتغال	۳/۹۸ (۴۷)	۱۵/۸۲ (۴۰)	۱۱/۶۶ (۳۳)	۷/۶۳ (۶)
یونان	۳/۹۲ (۴۸)	۲۳/۳۵ (۲۰)	۱۶/۴۰ (۲۰)	۵/۵۵ (۱۵)

Source: Heckelman, Jac C & Michael Stroup, 2005, p.961.

توضیح: اعداد داخل پرانتز رتبه کشور مورد نظر است.

### نتیجه‌گیری و پیشنهاد

ایران از منظر شاخص‌های جهانی آزادی اقتصادی، جایگاه مناسبی در سطح بین‌المللی ندارد. جهت‌دهی و تأثیر این شاخص‌ها در جذب سرمایه و رشد اقتصادی کشور با توجه به مقبولیت آنها نزد سرمایه‌گذاران و مؤسسات مالی خارجی انکارناپذیر است، بنابراین اقدامات و سیاست‌های مناسب جهت ارتقای رتبه ایران در جذب سرمایه‌های خارجی بسیار تأثیرگذار خواهد بود. از نگاه

مؤسسه فریزر ایران در زمینه مقررات (کسب‌وکار، اعتبار و بازار کار) و باز بودن تجارت خارجی نسبت به سایر زمینه‌ها نیازمند اصلاحات گسترده‌تری است. در شاخص آزادی هریتیج، فساد، عدم امنیت حقوق مالکیت، مداخله دولت در بازارهای مالی و بسته بودن کشور به روی سرمایه‌گذاری خارجی از مهمترین عوامل کاهش درجه آزادی ایران است.

ارزیابی شاخص‌های آزادی اقتصادی نشان می‌دهد که نه تنها این شاخص‌ها دچار مشکلات روش‌شناسی (تأثیر زیاد عوامل ذهنی و انتخاب روش تجمیع بدون استدلال علمی) هستند، بلکه بر پایه دیدگاه ایدئولوژیکی خاصی بنا شده‌اند؛ دیدگاهی که مجموعه‌ای خاص از ترتیب‌های نهادی و سیاست‌ها را که هماهنگی بیشتری با برخی کشورهای غربی دارند به‌عنوان محرک رشد و توسعه اقتصادی کشورها معرفی می‌کند. این درحالی است که کشورهایی مانند چین با الگویی متفاوت با آنچه شاخص‌های آزادی اقتصادی ترویج می‌کنند، به رشد و توسعه اقتصادی موفق دست یافته‌اند. شاخص‌های آزادی اقتصادی بیشتر به کوچک بودن اندازه و عدم مداخله دولت در اقتصاد تأکید دارند، اما اجرای سیاست‌های آزادسازی و خصوصی‌سازی در بسیاری از کشورها از جمله کشورهای آمریکای لاتین و روسیه ثمربخش نبوده است. از سوی دیگر با بروز بحران اقتصادی جهانی، دولت‌های غربی مداخلات خود را بیش از پیش افزوده‌اند. بنابراین در سال‌های اخیر شاهد تغییر پارادایم حاکم از کوچک‌سازی دولت به اثربخشی دولت یا حکمرانی خوب بوده‌ایم.

تجربه ناموفق اجرای سیاست‌های تعدیل ساختاری در برنامه اول توسعه با محوریت خصوصی‌سازی، آزادسازی تجاری و یکسان‌سازی نرخ ارز، لزوم هماهنگ بودن، یکپارچگی و سنجیده بودن اصلاحات ساختاری را اثبات می‌کند، اما این مجموعه اصلاحات هماهنگ، لزوماً همان مجموعه اصلاحات شاخص‌های آزادی اقتصادی نیست؛ بلکه ترکیب‌گزینش شده‌ای از تجربه‌های موفق سایر کشورها و مطالعه ظرفیت‌ها و شرایط بومی کشور خواهد بود.

بر این اساس می‌توان نتیجه گرفت برای سیاستگذاری و تقنین با هدف آزادسازی اقتصادی یا سنجش درجه آزادی اقتصادی در ایران، استفاده از شاخص‌های مؤسسه فریزر و بنیاد هریتیج، از نظر علمی قابل اعتماد و اتکا نیستند و بهتر است برای سنجش و سیاستگذاری درباره آزادی اقتصادی در ایران، شاخصی مبتنی بر اقتضائات و شرایط نهادی و بومی ایران تولید و استفاده شود.



۱. باتلر، ایمون. ترجمه فریدون تفضلی، اندیشه‌های سیاسی اقتصادی هایک، نشر نی، ۱۳۸۷.
۲. بانک جهانی، گروه کسب‌وکار، ترجمه احمد میدری و اصلان قودجانی، سنجش و بهبود محیط کسب‌وکار، جهاد دانشگاهی، دانشگاه تهران، ۱۳۸۷.
۳. تفضلی، فریدون. تاریخ عقاید اقتصادی، نشر نی، ۱۳۸۷.
۴. مایلن، خیرالله یوهان جان کیرستن، (۲۰۰۲). ترجمه عباس رحیمی، «اقتصاد نهادگرایی جدید: کاربرد آن در مطالعه سیاست کشاورزی در کشورهای در حال توسعه»، فصلنامه علمی تخصصی چشم‌اندازهای دانش اقتصاد (تکاپو)، بهار و تابستان ۱۳۸۷.
۵. کریمی، زهرا. موانع نهادی توسعه اقتصادی، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، ۱۳۸۴.
۶. نمازی، حسین. نظام‌های اقتصادی، شرکت سهامی انتشار، ۱۳۸۴.
۷. نیلی، مسعود و دیگران. دولت و رشد اقتصادی در ایران، نشر نی، ۱۳۸۹.
8. Aron, Janine, "Growth and institutions, a review of the evidence", the world bank, research observer, Vol 15, No.1, 2010.
9. Dollar, David. Mary Hallward-Driemeier & Taye Mengistae, 2003.
10. Investment Climate and Firm Performance in Developing Economies, World Bank, Development Research Group.
11. Gwartney, James D. Robert A. Lawson; economic freedom of the world, 2010 annual report, www.fraserinstitute.org, 2010.
12. Hanoon, Gustav. Institutions And Their Measures :A Black Box Of Goodies, goteborg university, 2006.
13. Heckelman, Jac C: Michael Stroup. A comparison of aggregation methods for measures of economic freedom, Political Economy, vol 21, 2005.
14. heritage foundation. Methodology for the 10 Economic Freedom.
15. Kapás, Judit and Pál Czeglédi, 2008, Economic Freedom in Terms of Kinds of Government Actions: An Empirical Investigation, University of Debrecen, 2009.
16. www.freetheworld.com, Iran, 2011.
17. www.Heritage.org, 2011.



مرکز پژوهش‌ها  
مجلس شورای اسلامی

شماره مسلسل: ۱۲۰۷۲

شناسنامه گزارش

عنوان گزارش: بررسی و نقد شاخص‌های جهانی آزادی اقتصادی (بنیاد هریتیج و مؤسسه فریزر)

نام دفتر: مطالعات محیط کسب و کار

تهیه و تدوین: مریم احمدیان

ناظر علمی: سیدامیر سیاح

همکار: موسی شهبازی‌غیائی

متقاضی: معاونت پژوهشی

ویراستار ادبی: فرزاد جعفری

واژه‌های کلیدی:

۱. محیط کسب و کار

۲. آزادی اقتصادی

۳. بنیاد هریتیج

۴. مؤسسه فریزر

تاریخ انتشار: ۱۳۹۰/۹/۹